

دانشور

رفتار

بررسی تحلیلی مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی از منظر امام علی(ع) در نهج البلاغه*

نویسندگان: دکتر اکبر رهنما*^۱، دکتر مهدی سبحانی نژاد^۱ و حمید علین^۲

۱. استادیار دانشگاه شاهد

۲. کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

*E-mail: Rahnama-Akbar43@yahoo.com

چکیده

در پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از تحلیل محتوا، مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی از منظر امام علی(ع) مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. مبانی تربیت از منظر امام علی (ع) شامل نه مبنا به این شرح است: عبودیت و بندگی خداوند متعال، اعتدال، مدنیت، تاثیر محیط، اندیشه ورزی، کرامت، آزادی و اختیار، ضعف و جاذبه احسان می‌باشد. ۲. درمبنای عبودیت و بندگی خداوند متعال، اصول پنج گانه تربیتی شامل خدا محوریت، توکل بر خدا، اعتقاد به عالم آخرت و زندگی پس از مرگ، محوریت دین در همه امور زندگانی از جمله سیاست (جدائی ناپذیری دین از سیاست) و حاکمیت اخلاق است. ۳. در مبنای توازن، اصول سه گانه تربیتی شامل عدالت، محوریت قانون، و شایسته سالاری است. ۴. درمبنای مدنیت، اصول سه گانه تربیتی شامل مردم سالاری، سامان بخشی وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه و تأمین امنیت است. ۵. درمبنای تاثیر محیط، اصول دو گانه تربیتی شامل، اصلاح شرایط و ایجاد زمینه است. ۶. در مبنای اندیشه‌ورزی، اصول دوگانه تربیت شامل تعقل و تفکر و کسب بینش است. ۷. مبنای کرامت شامل اصل عزت است. ۸. مبنای آزادی و اختیار شامل اصل تشبه به ابرار است. ۹. مبنای ضعف شامل اصل تساهل است. ۱۰. مبنای جاذبه احسان شامل اصل فضل است. ۱۱. نه مبنا و ۲۲ اصل ذکر شده مجموعاً ۷۹ روش تربیتی استخراج شده دارند.

کلید واژه‌ها: امام علی (ع)، نهج‌البلاغه، تربیت سیاسی، مبانی تربیت، اصول تربیت، روش‌های تربیت

* این مقاله بر گرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد حمید علین با عنوان تربیت سیاسی از دیدگاه امام علی علیه‌السلام با راهنمایی دکتر اکبر رهنما در دانشگاه شاهد تهران است

- دریافت مقاله: ۸۵/۱۰/۱۵
- ارسال به داوران:
 - ۱) ۸۵/۱۲/۵
 - ۲) ۸۵/۱۲/۵
 - ۳) ۸۵/۱۲/۵
- دریافت نظر داوران:
 - ۱) ۸۵/۱/۱۹
 - ۲) ۸۵/۱/۱۹
 - ۳) ۸۶/۲/۲
- ارسال برای اصلاحات:
 - ۱) ۸۶/۲/۱۹
 - ۲) ۸۶/۴/۳۰
- دریافت اصلاحات:
 - ۱) ۸۶/۲/۳۱
 - ۲) ۸۶/۵/۱۲
- ارسال به داور نهایی:
 - ۱) ۸۶/۳/۱
 - ۲) ۸۶/۵/۱۷
- دریافت نظر داور نهایی:
 - ۱) ۸۶/۴/۲۴
 - ۲) ۸۶/۹/۱۸
- پذیرش مقاله: ۸۶/۹/۱۸

Scientific-Research
Journal of
Shahed University
Fifteen Year
No. 30
2008

دوماهنامه علمی - پژوهشی
دانشگاه شاهد
سال پانزدهم - دوره جدید
شماره ۳۰
شهریور ۱۳۸۷

مقدمه

امامان، صالحان و اندیشمندان جامعه بوده است. نیاز به دستگاه حکومتی و نظم اجتماعی در همه دوران‌های تاریخ باعث شده است که هیچ گاه جوامع فاقد نهاد حکومت و

سیاست و تدبیر جامعه چون از مهم‌ترین مسائل حیاتی انسان است، همواره سرلوحه اندیشه و برنامه پیامبران،

مهم‌ترین دغدغه آموزش و پرورش باید ایجاد نظم و کنترل اجتماعی باشد [۸]. همچنین نقش محافظه کارانه مدارس مورد تایید گودمن (Goodman) است [۹]. هریس (Harris) هم نقش آموزش و پرورش را عامل «کنترل اجتماعی» در نظر می‌گیرد که سعی دارد تا حد زیادی با القای دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌هایی به دانش آموزان، آنان را به عنوان شهروند آینده، آماده سازد [۱۰].

از جمله دیدگاه‌های مهمی که از کارکرد محافظه کارانه در تعلیم و تربیت حمایت می‌کنند می‌توان به «دیدگاه‌های انتقال فرهنگی (Cultural Transmission)»، «کارکرد گرایسی (Functionalism)» و «نظریه انطباق (Correspondence Theory)» اشاره کرد [۱۱ و ۱۲]. اجمالاً باید گفت که رویکرد محافظه کاری دارای دیدگاهی بیشتر جامعه شناختی است و نگرش انفعالی و جامعه پذیرانه به موضوع تربیت سیاسی دارد و بر مبنای این دیدگاه، نظام تربیتی بی طرف وجود ندارد، بلکه نهادهای تربیت باید عموماً برای حفظ وضع موجود تلاش کنند.

معتقدان به دیدگاه نظریه انتقادی در تربیت سیاسی، دستگاه تعلیم و تربیت را وسیله ای برای مهار فرهنگی و سیاسی نسل نو تلقی می‌کنند و معتقدند که باید از قفس آهنین آن فراتر رفت [۱۳]. این جهت گیری که مدافع نوعی تربیت آگاهانه و انقلابی است، اساساً ریشه در اندیشه‌های مارکسیسم دارد [۱۴] که هدف‌های تربیت سیاسی آن، تربیت افراد به شکلی «انتقادی» (Critical)، «خودآگاه» (self-Conscious) و دارای «فعالیت رهایی‌بخش» (emancipating Activity) است [۱۵].

در نظریه دموکراتیک در تربیت سیاسی، آموزش و پرورش علاوه بر این که نوعی جهت گیری محافظه کارانه دارد، در عین حال به دنبال تربیت شهروندانی مستقل و انتقادی نیز هست. دیوئی از حامیان اصلی این نظریه است [۱۶]. رایبا نیز معتقد است که پیشرفت و دموکراسی به هم متکی هستند و تربیت، هم آن‌ها را مورد حمایت قرار می‌دهد و هم کارکردهای پیشرفت و توسعه دموکراسی را به ارزشهای انسانی پیوند می‌زند [۱۷]. مبنای این نظریه، شهروند در یک نظام دموکراسی باید از سطح آگاهی بالایی درباره سیاست و طرز کار آن برخوردار باشد، بتواند به نقد واقعیت‌های سیاسی بپردازد، بر تصمیمات حکومت تأثیر بگذارد، به موسسات و قوانین حکومتی

دستگاه رهبری و مدیریت سیاسی و اجتماعی نباشند. و البته یکی از عواملی که می‌تواند از استمرار حاکمیت سیاسی به نحو مطلوب پشتیبانی و حمایت کند، نظام تعلیم و تربیت است که با دارا بودن دست‌آوردهای عمده برای نظام‌های سیاسی در امری هم‌چون جامعه‌پذیری سیاسی، آشناسازی نسل نو با فرهنگ سیاسی حاکم، ایجاد یگانگی سیاسی در جامعه، ایجاد زمینه برای تشکیل نهادها و مؤسسات سیاسی، تربیت هواداران سیاسی و همچنین به منزله وسیله تربیت سیاسی برای اعمال پنهان قدرت و کنترل اجتماعی و فکری جامعه، نمی‌تواند از نگاه و منظر حاکمان به دور باشد. اهمیت این مسئله باعث شده است که امروزه تعلیم و تربیت اساساً وظیفه‌ای اجتماعی تلقی شود و مستلزم توجه جدی حکومتها و البته تا حد بسیار زیادی تابع سیاست‌های آنان باشد.

تربیت سیاسی به معنای «فرآیند مستمر یادگیری که به وسیله آن افراد با نظام سیاسی، و نقش‌های سیاسی خود در جامعه آشنا می‌شوند و با هدف شکل دادن به افکار، نگرش‌ها و رفتارهای افراد در قالب‌های سیاسی - اجتماعی مورد نظر تا بتوانند ارزش‌های نظام سیاسی را جذب و خود را با آنها منطبق سازند [۱]»، از کارکردهای مهم تعلیم و تربیت است که متفکران و اندیشمندان علوم اجتماعی در باره آن دیدگاه‌های گوناگونی مطرح کرده‌اند و از مشهورترین آن‌ها می‌توان به نظریه محافظه‌کاری (Conservative Approach) در تربیت سیاسی، نظریه انتقادی (Critical Theory) در تربیت سیاسی، نظریه دموکراتیک در تربیت سیاسی و دیدگاه پست مدرنیسم (Postmodernism) در تربیت سیاسی اشاره کرد.

نظریه محافظه کاری در تربیت سیاسی، به طور کلی «مدافع وضع موجود» است و سعی می‌کند با رام کردن زمان حال، آینده‌ای رام شده را نیز پدید آورد [۲]. از این دیدگاه، تعلیم و تربیت در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی نقش عمده‌ای در کنترل اجتماعی و حفظ وضع سیاسی موجود ایفا می‌کند [۳ و ۴]. از محققانی که بر فرآیند «کنترل اجتماعی» (Social Control) با بهره‌گیری از آموزش و پرورش تأکید می‌ورزند، دور کیم و پارسونز (Parsons) هستند [۵ و ۶]. از نظر پارسونز در درون نظام سیاسی، ارزش‌ها و هنجارها اساس اطاعت سیاسی را تشکیل می‌دهند [۷] سیلبرمن (Silberman) نیز بیان می‌دارد که

امیر المومنین، قم، (۱۳۸۱)، (خطبه ۱۲۹)، باز گرداندن نشانه‌های فراموش شده و احکام تعطیل شده دین، اصلاح شهرها، امان یافتن مظلومان و محرومان (همان، خطبه ۲۰۵)، عمل بر طبق کتاب خدا و سیره پیامبر (همان، خطبه ۲۳۳)، دفع باطل و گرفتن حقوق محرومان (همان، نامه ۴۵) است، و در کنار آن، قانون مداری در حکومت آن حضرت، مردم‌گرایی در سیره سیاسی ایشان، تقدم ارزش‌ها بر اصل حکومت، صراحت در گفتار و رفتار و دوری از فریب و خدعه و عدالت محوری برای تحقق اهداف الهی در زمین، دوران پنج ساله حکومت ایشان را نمونه بی نظیری از حکومت برای هدایت مردم به سوی کمال در همیشه تاریخ تبدیل کرده است. تحقق اهداف چنین حکومتی بی‌گمان جز با انتخاب افرادی لایق و شایسته به عنوان کارگزار، و توجه به تربیت سیاسی مستمر آنان و آموزش مردم به عنوان بزرگ‌ترین حامیان حکومت امکان‌پذیر نیست. امام علی علیه‌السلام به این امر مهم توجه داشتند و افرادی را تربیت کردند که جز به رضای خدا و خدمت به خلق به چیز دیگری نمی‌اندیشیدند، از جمله افرادی چون مالک اشتر و محمد بن ابی‌بکر [۲۰].

امام علی علیه‌السلام قبل از آن‌که یک حاکم باشد، یک پیشوای دینی و امام معصوم است که در مکتب وحی پرورش یافته است. حکومت ایشان حکومتی دینی، منطبق بر اهداف و آرمان‌های الهی برای بشر است. هدف همه آرمان‌های این حکومت نیز نیل جامعه و افراد آن به کمال است. لذا بسیار بدیهی است که سازوکارهای تربیتی مورد استفاده آن برای تربیت شهروندان و کارگزاران، با آنچه در نظریه‌ها و مکاتب تربیتی وابسته به افکار بشری مطرح می‌شود و هدف آن «تربیت شهروند شایسته» است، منطبق نباشد، اگرچه گاه بعضی از اهداف، مبانی، اصول و روش‌های به‌کار گرفته شده در این مکاتب، نسخه بدل یا لااقل شبیه همان‌هایی است که در حکومت علوی مورد استفاده قرار گرفته است (شایان ذکر است، که عمر باقدمت‌ترین این نظریه‌ها به زحمت به ۴۰۰ سال می‌رسد. در حالیکه حکومت علوی، بیش از ۱۳۶۰ سال پیش، به تربیت کارگزاران و شهروندان صالح توجه داشته و عمل کرده است).

بنابه دلایل مختلفی که ذکر آن در این مقاله نمی‌گنجد، در زمینه تربیت سیاسی از دیدگاه اسلامی، در داخل کشور پژوهش‌های معدودی صورت گرفته است که همان‌ها نیز

اطمینان عمیق داشته باشد، به بنیان و اساس حکومت دموکراتیک، و نه لزوماً صاحبان موقعیت‌ها و مقام‌های سیاسی، وفادار باشد و نقش فعالی در مسائل سیاسی جامعه بازی کند [۱۸].

تعلیم و تربیت از دیدگاه پست مدرن، علاوه بر آن‌که بر افق‌های وسیع‌تر معرفتی و انسان‌شناختی، جهان‌شناختی و جامعه‌شناختی تأکید می‌کند، مایه‌های انتقادی و دموکراتیک نیز دارد [۱۹]. انتقاد همه‌جانبه پست مدرن از دوران مدرنیته و همه عناصر فرهنگی، اجتماعی و آموزشی آن بیانگر مایه‌های انتقادی این نظریه است. تأکید بر عدالت، آزاد سازی، احساس همدردی به نظریه انتقادی شباهت دارد و تکیه بر تکثر گرایی فرهنگی، برابری، رشد و تحول و اجتناب از استیلای فرهنگی خاص نیز از مایه‌های دموکراتیک آن است [۱۱].

بررسی نظریه‌های تربیت سیاسی مطرح شده نشان می‌دهد که با این نظریه‌ها وجود اختلاف‌های ظاهری در اهداف، وسایل، محیط، شرایط تاریخی و سیاسی و اجتماعی، همگی تقریباً غایت مشترکی دارند و آن «تربیت شهروند شایسته» است، هر چند که شهروند شایسته از منظر آنان تفاوت‌های جدی با یکدیگر دارد. امادر حوزه نگرش دینی که حکومت را وسیله‌ای مقدس برای رسیدن به اهداف و مقاصد عالی و تأمین مصالح و نیازمندی‌های مادی و معنوی می‌داند، حکومت و سیاست و هر آنچه تابع و همسو با آن قرار است، چیزی جز وسیله‌ای برای رسیدن به «کمال» نیست و طبعاً همه اهداف حکومت، حتی اهداف به ظاهر مادی و دنیوی نیز در اسلام، در خدمت این غایت والا قرار می‌گیرد. اسلام دارای هدف و افق دید بسیار وسیعی چون آماده ساختن و تربیت کردن «انسان صالح» برای قرب الهی است و بی‌تردید این غایت محدود به مکان، زمان، اجتماع، گروه و دسته خاصی نیست. تفاوت نظریه تربیتی اسلام با نظریه‌های فوق نیز در همین غایت تربیت است و به این دلیل برای تدوین مبانی، اصول و روش‌های تربیت اسلامی نمی‌توان از این نظریه‌ها طرفی بست.

امام علی علیه‌السلام به عنوان یک حاکم اسلامی و انسانی کامل که پرورش یافته مکتب وحی است، در حکومت به دنبال تحقق اهداف والایی چون، اقامه حق و عدل (نهج البلاغه) (نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات

به بحث در خصوص روش‌ها محدود می‌شوند، از جمله مزروقی به بررسی تربیت سیاسی از دیدگاه‌های مختلف و همچنین تبیین تربیت سیاسی در اسلام (مکتب تشیع)، نقش و جایگاه تربیت سیاسی در نظام رسمی آموزش و پرورش پرداخته و با تکیه بر لزوم جدی گرفتن این موضوع و جای خالی آن در آموزش و پرورش کشورمان، برنامه‌ای درسی در این مورد تدوین کرده است [۱]. محمدی در پژوهش خود با معرفی مبانی تربیت اجتماعی، به تبیین جایگاه تربیت اجتماعی در نهج البلاغه پرداخته است [۲۱]. رهنما در مقاله خود معتقد است که ایمان به خدا، مبارزه بانفس، عدالت ورزی و فقرستیزی؛ امانت‌داری در مدیریت، سعه صدر و الگو بودن رهبر و مدیر جامعه اسلامی، از خطوط کلی تربیت سیاسی و اخلاقی مدیران از دیدگاه امام علی علیه‌السلام است [۲۲]. رحمانی درباره نکات مؤثر در پرورش نیروی انسانی از دیدگاه امام علی علیه‌السلام به مواردی از قبیل: برخورد منصفانه با کارمندان، توجه به وضعیت معیشتی کارکنان، توانایی انسجام‌دهی و حفظ گروه و نظایر این‌ها اشاره کرده است و آنها را در پرورش نیروی انسانی مؤثر می‌داند [۲۳]. احسانی به هدف تربیت سیاسی در مکاتب مختلف اشاره کرده است و به حدود و ثغور تربیت سیاسی می‌پردازد، آن‌گاه عوامل مؤثر بر تربیت سیاسی را برشمرده و در آخر نگاهی به روش‌های تربیت سیاسی با تأکید بر نظر امام علی علیه‌السلام دارد [۲۴]. عثمان، در مقاله خود در خصوص اصول تربیت سیاسی در تفکر اسلامی، مواردی را برشمرده است [۲۵].

به نظر ما، چون از صدر اسلام تاکنون تنها حکومت پیامبر اکرم صلی‌الله و علیه و آله و امام علی علیه‌السلام واجد تمامی شرایط به کمال رساندن جامعه اسلامی بوده‌اند و مبانی نظری لازم برای تربیت سیاسی آحاد جامعه را نیز باید در تعلیمات سیاسی این بزرگواران درباره مردم و کارگزاران جستجو کرد و نیز از آن‌جا که حکومت امام علی علیه‌السلام از نظر وسعت و داشتن کارگزاران متعدد، بیش‌تر شبیه حکومت‌های فعلی جهان معاصر است، نظام اسلامی می‌تواند و باید، با الگوگرفتن از حکومت علوی زمینه و شرایط لازم را برای تربیت سیاسی شهروندان خود فراهم کند. با در نظر داشتن تفاوت میان مبانی تربیت سیاسی از منظر امام علی علیه‌السلام با آنچه در نظریه‌های

تربیت سیاسی مکاتب دیگر مطرح است، برای درک و تبیین تربیت سیاسی اسلام، آن‌هم از منظر امام علی علیه‌السلام، نمی‌توان از نظریه‌های تربیت سیاسی که اندیشمندان غربی مطرح کرده‌اند، چندان بهره‌ای برد. لذا برای تبیین تربیت سیاسی از منظر امام علی علیه‌السلام، سؤال‌های پژوهشی به صورت زیر تدوین و مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱. مبانی تربیت سیاسی از منظر امام علی علیه‌السلام

چيست؟

۲. هر یک از مبانی تربیت سیاسی از منظر امام علی علیه‌السلام شامل چه اصولی (به قانون‌مندی‌های مربوط به موجودات (انسان) گفته می‌شود که در آن سازوکارهای تغییر و تغیر مورد توجه قرار می‌گیرد و قواعد و دستورالعمل‌های ایجاد یا کنترل تغییر برگرفته از همین سازوکارهاست. مبانی در علوم تربیتی به صورت قضیه‌های حاوی «هست» بیان می‌شود [۲۶]) است؟

۳. از منظر امام علی علیه‌السلام هر یک از اصول مطرح

شده در تربیت سیاسی شامل چه روش‌هایی (دستورالعمل‌هایی هستند که به ما می‌گویند برای رسیدن به مقصد و مقصود مورد نظر چه باید بکنیم [۲۶]. درباره رابطه مبانی و اصول باید توجه کرد که، اصول به مبانی تکیه دارند و روش‌ها نیز بر اصول مبتنی‌اند. البته اصول و روش‌ها از یک سنخ‌اند، زیرا هر دو دستورالعمل هستند و به ما می‌گویند که برای رسیدن به مقصد و مقصود مورد نظر چه باید بکنیم، اما تفاوت آنها در این است که اصول، دستورالعمل‌های کلی‌اند و روش‌ها، دستورالعمل‌های جزئی‌تر.) است؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی تحلیلی از نوع تحلیل محتواست و طی آن، مفاد خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه مورد تحلیل قرار گرفته است.

جامعه نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش شامل، متن خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه بوده است. در این پژوهش به دلیل لزوم جامعیت نمونه، نمونه‌گیری انجام نشده و کل جامعه آماری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

جداول شماره یک تا نه پژوهش، نه مبنای تربیت از منظر امام علی علیه السلام شناسایی شد که عبارت‌اند از: عبودیت و بندگی خداوند متعال، اعتدال، مدنیت، تأثیر محیط، اندیشه‌ورزی، کرامت، آزادی و اختیار، ضعف و جاذبه احسان (جداول شماره یک تا نه در شرح سؤال‌های دوم و سوم پژوهش). (از آن‌جا که بین یافته‌های مرتبط با سه سؤال پژوهش پیوستگی وجود دارد و ذکر مبانی آن‌ها در این‌جا و مجدداً تکرار آن‌ها در شرح یافته‌های سؤال‌های دوم و سوم، مطلوب نیست، در این‌جا از درج مطالب مذکور پرهیز شده و با توجه به شرح کامل آن‌ها طی بررسی سؤال‌های دوم و سوم صرفاً به ذکر آن‌ها بسنده شده است.)

بررسی سؤال‌های دوم و سوم پژوهش (بنابر شرح بند فوق، به دلیل پیوستگی تحلیل داده‌ها و توضیح یافته‌ها، در این‌جا نیز یافته‌های سؤال‌های دوم و سوم هم‌زمان مطرح شده است.)

۲. هر یک از مبانی تربیت سیاسی از منظر امام علی علیه السلام شامل چه اصولی است؟
۳. از منظر امام علی علیه السلام هر یک از اصول مطرح شده در تربیت سیاسی شامل چه روش‌هایی در تربیت سیاسی است؟

نتایج حاصل از تحلیل، بیانگر آن است که تربیت سیاسی از منظر امام علی علیه السلام دارای نه مبناست که عبارت‌اند از: عبودیت و بندگی خداوند متعال، اعتدال، مدنیت، تأثیر محیط، اندیشه‌ورزی، کرامت، آزادی و اختیار، ضعف و جاذبه احسان. در اینجا پس از ذکر هر یک از مبانی مذکور، اصول تربیت سیاسی مطرح شده در هر یک از مبانی و سپس، روش‌های تربیتی مربوط به هر اصل، مطرح و بحث خواهد شد.

۱. مبنای عبودیت و بندگی خداوند متعال
قرآن مجید هدف از خلقت آدمی را چنین بیان می‌دارد «و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون» (قرآن مجید، ذاریات، ۵۶). عبادت غایت خلقت انسان است. قُلْ اِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (همان، سوره انعام، آیه ۱۶۲). بگو در حقیقت نماز من و عبادات من و زندگی و مرگ من برای خدا پروردگار جهانیان است. امام علی علیه السلام نیز که از مخلص‌ترین پرورش یافتگان

ابزار گردآوری داده‌ها

از فرم واریسی باز و بدون پیش سازمان یافتگی استفاده شد که در آن، شش مکان برای ثبت آدرس، متن عربی، متن فارسی، مبانی، اصول و روشها تعبیه شده بود. واحد تحلیل محتوی مجموعه جملات، عبارات و مضامین موجود در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی علیه السلام در نهج البلاغه بوده است. روایی ابزار را صاحب‌نظران انجام داده‌اند و پایایی آن با محاسبه ضریب همبستگی داده‌های حاصل از تحلیل اولیه با تحلیلی که متخصصین دیگر انجام داده‌اند، به دست آمد که نتیجه آن برابر با ۰/۷۶ بوده است.

شیوه اجراء و مراحل انجام پژوهش (در تدوین مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی در این پژوهش از شیوه‌ای که آقای دکتر خسرو باقری در کتاب «نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی» مطرح کرده‌اند نیز استفاده شده است)

با استفاده از فرم واریسی به تحلیل محتوی جملات، عبارات و مضامین مربوط به خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی علیه السلام در نهج البلاغه (نهج البلاغه مورد استفاده در این پژوهش، ترجمه محمد دشتی، انتشارات مؤسسه تحقیقاتی امیرالمومنین علیه السلام در سال ۱۳۸۲ در شهر قم بوده است.) پرداخته شد. بر این اساس، پس از مشاهده جملات، عبارات و مضامین همسو با هر یک از سه زمینه مذکور، موارد فوق به تفکیک و با توجه به شش مورد گفته شده در ابزار پژوهش درج شد.

روش تحلیل داده‌ها

در تحلیل، داده‌های حاصل از ابزار پژوهش به تفکیک در سه زمینه مذکور طبقه‌بندی و در جداول مرتبط منعکس شد؛ هر یک از جداول نیز به صورت کیفی شرح داده شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

بررسی سؤال اول پژوهش

مبنای تربیت از منظر امام علی علیه السلام چیست؟
بنابر نتایج تحلیل‌های انجام شده در خصوص مبانی تربیت از منظر امام علی علیه السلام و طبقه‌بندی آن‌ها در

مکتب الهی است، هدف اول و آخر از تربیت انسان را قرب الهی و عبودیت پرودگار متعال می‌داند. و در این باره می‌فرماید « دنیا و آخرت، خداوند را فرمان‌بردار است و سر رشته هر دو به دست اوست » (خطبه ۳۳، ص ۱۷۷، پ (مخفف کلمه پاراگراف است) ۴) (نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، (۱۳۸۳) چاپ دوم، قم، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین). بندگی و عبودیت خداوند متعال صفتی است که امام علی علیه‌السلام آن را اولین برجستگی رسول خدا صلی‌الله و علیه و آله می‌داند و در معرفی ایشان می‌گویند: «شهادت می‌دهم که محمد صلی‌الله و علیه و آله بنده خدا و فرستاده اوست. » (خطبه ۲، ص ۲۷، پ ۴). امام علیه‌السلام درباره علت عبودیت و بندگی انسان در برابر خدا را، می‌فرماید که انسان آفریده خداوند متعال است و سرانجام نیز در پیشگاه ایزد متعال حاضر می‌شود. «از خدایی بترس که ناچار او را ملاقات خواهی کرد، و سرانجامی جز حاضر شدن در پیشگاه او نداری» (نامه ۱۲، ص ۳۵۱، پ ۳). در اهمیت این مبنا در تربیت اسلامی همین بس که امام علی علیه‌السلام در صدر بسیاری از خطبه‌ها و نامه‌های خویش به کارگزاران خود، از جمله نامه‌های ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳ و ... خود را چنین معرفی می‌کنند. «از بنده خدا، علی ابن ابیطالب، امیر مؤمنان به. . . . تأکیدات مکرر امام علی علیه‌السلام بر این خصلت ذاتی انسان نشان دهنده اهمیت اساسی این مبنا تربیتی است و مریبان در هر الگوی تربیتی باید آن را سرلوحه کار قرار دهند. از منظر امام علی علیه‌السلام این مبنا تربیت سیاسی دارای پنج اصل است: خدا محوری، توکل بر خدا، اعتقاد به عالم آخرت و زندگی پس از مرگ، محوریت دین در همه امور زندگانی از جمله سیاست (جدایی‌ناپذیری دین از سیاست) و حاکمیت اخلاق.

۱-۱- اصل خدامحوری

به این معنا که تمام اعمال و رفتار و کردار انسان در همه احوال متوجه خدا و اطاعت و بندگی خداوند متعال باشد. بدین ترتیب نگاه کردن، سخن گفتن، سکوت کردن، گوش کردن، راه رفتن، نشستن، غذا خوردن و . . . و به طور کلی همه اعمال انسان باید برای خدا و با هدف بندگی از ذات قدسی الهی انجام بگیرد. امام علی علیه‌السلام در مکاتبات خود با فرمانداران سرزمین‌های اسلامی اولین

تذکری که می‌دهد یاد خداست، از جمله در نامه‌ای که امام به شریح بن هانی فرمانده سپاه خود نوشته است، می‌فرماید: «در هر صبح و شام از خدا بترس و از فریبکاری دنیا بر نفس خویش بیمناک باش و هیچ‌گاه از دنیا ایمن مباش» (نامه ۵۶، ص ۴۲۳، پ ۴).

روش‌های تربیتی برگرفته از اصل خدامحوری به شرح ذیل است.

۱-۱-۱. توجه دادن به ارزش‌های الهی به جای ارزش‌های غیرالهی برای خدامحوری در همه کارها باید توجه به ارزش‌های الهی و نفی ارزش‌های غیرالهی در سرلوحه اعمال قرار بگیرد. در همین زمینه امام علیه‌السلام در خصوص فلسفه حکومت خود می‌فرماید: «خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم و در سر زمین تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امن و امان زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجرا گردد (خطبه ۱۳۱، ص ۱۷۵، پ ۴).

۱-۱-۲. نفی اطاعت از هرکس و هر چیز به جز خدا حضرت در این خصوص خطاب به مردم در مقابل سران و بزرگان می‌فرماید: «آگاه باشید زنها را زنها را از پیروی و فرمانبرداری سران و بزرگان، آنان که به اصل و حسب خود می‌نازند و خود را بالاتر از آنچه هستند می‌پندارند و کارهای نادرست را به خدا نسبت می‌دهند و نعمت‌های گسترده خدا را انکار می‌کنند، تا با خواسته‌های پرودگار مبارزه کنند. . . . پس خدا را پروا کنید و از فرومایگان اطاعت نکنید» (خطبه ۱۹۲، ص ۲۷۵، پ ۲).

۱-۱-۳. توصیه به عمل کردن فقط برای خدا

عمل کردن برای خدا عمل را آسان می‌کند، هر چند آن عمل سخت باشد. حضرت در این خصوص به عثمان بن حنیف فرماندار بصره می‌فرماید: خوشا به حال آن کس که مسئولیت‌های واجب را در پیشگاه خدا به انجام رسانده، و در راه خدا هرگونه سختی و تلخی را به جان خریده و به شب زنده داری پرداخته و اگر خواب بر او چیره شد بر روی زمین خوابیده است و . . . (نامه ۴۵، ص ۳۹۷، پ ۴).

۱-۲. اصل توکل بر خدا

توکل به خدا به معنی واگذاری امور به خداوند متعال است، یعنی انسان در هر کاری تنها به خداوند متعال امیدوار باشد و وکالت خدا را در هر امری به همراه داشته باشد. توکل از اصولی است که در تربیت اسلامی برای تمامی جنبه‌ها کاربرد دارد و باعث بی‌اعتنایی انسان به غیرخدا می‌شود. زمامدار متوکل به خدا وظیفه‌اش را انجام می‌دهد و در مورد نتیجه، به خدا توکل دارد و بس. امام در وصیت خود به امام حسن در این باره می‌فرماید: «در تمام کارها، خود را به خدا واگذار که به پناهگاه مطمئن و نیرومندی رسیده‌ای» (نامه ۳۱، پیشین).

روش‌های تربیتی مربوط به این اصل عبارتند از:

۱-۲-۱. توجه دادن به رضامندی در برابر رضایت خدا

رضا مندی به رضای خدا آرامش روحی و روانی مردم و زمامداران را در پی دارد. از این‌رو به کارگزارانشان رضامندی به رضایت خدا را توصیه کرده و خود نیز در این مورد فرموده‌اند: «در برابر خواسته‌های خدا راضی و تسلیم فرمان‌های اویم» (خطبه ۳۷، ص ۶۳، پ ۳).

۱-۲-۲. توصیه به دعا و استعانت از خدا

«ایمانتان را با صدقه سیاست و حفظ کنند، دارائی‌هایتان را با زکوة دادن در پناه آورید و گرفتاری‌های پی‌درپی را با دعا و درخواست دور سازید» (حکمت ۱۴۵، ص ۴۷۱).

۱-۲-۳. امیدوار کردن به رحمت خدا

از وظایف زمامدار اسلامی در حفظ و تقویت دین مردم امیدوار نگاه داشتن آنان به رحمت خداوند است. امام علیه‌السلام در این مورد می‌فرماید: «فقیه کامل کسی است که مردم را از رحمت و آمرزش خدا مأیوس نکند و ایشان را از آسایش و خوشی از جانب خدا نومید نسازد و آن‌ها را از عذاب خدا ایمن و آسوده ننماید» (حکمت ۹۰، ص ۴۵۹).

۱-۳. اصل اعتقاد به عالم آخرت و زندگی پس از مرگ

اعتقاد به آخرت، به دنیایی به غیر از این دنیا، از یک سو هدفمند بودن خلقت را اثبات می‌کند و مانع پوچ‌انگاری زندگی می‌شود و از سوی دیگر، دانستن این‌که حساب و کتاب، و پاداش و عقابی در آینده به انتظار است،

انسان را از انجام دادن هر عمل ناشایستی باز می‌دارد. امام علیه‌السلام با تکیه بر این اصل تربیتی و یاد آوری اینکه دنیا فانی است، به کارگزاران و مردم در این خصوص هشدار داده‌اند و می‌فرمایند: «شما را از دنیا می‌ترسانم، زیرا منزلگاهی است برای کوچ کردن، نه منزلی برای همیشه ماندن» (خطبه ۱۱۳، ص ۱۵۳، پ ۲).

روش‌های تربیت سیاسی مربوط به این اصل عبارت‌اند

از:

۱-۳-۱. یادآوری مرگ

فراموشی مرگ باعث می‌شود که زمامداران و مردم رو به دنیا آورند. از این‌رو امام علی علیه‌السلام در خصوص غفلت از مرگ هشدار داده و نهیب می‌زند: «یاد مرگ از دل‌های شما رفته و آرزوهای فریبنده جای آن را گرفته است، دنیا بیش از آخرت شما را تصاحب کرده و متاع زود رس دنیا بیش از متاع جاویدان آخرت در شما نفوذ کرده و دنیا زندگی آخرت را از یاد شما برده است» (خطبه ۱۱۳، ص ۱۵۳، پ ۴).

۱-۳-۲. ترغیب به اتکاف کردن به دنیا در حد ضرورت

امام علیه‌السلام برای عبرت زمامداران در این خصوص به زیاد حاکم فارس می‌فرماید: «ای زیاد! از اسراف بپرهیز و میانه‌روی برگزین، از امروز به فکر فردا باش و از اموال دنیا به اندازه کفاف خویش نگهدار و زیادی را برای روز نیازمندی در آخرت پیش فرست» (نامه ۲۱، ص ۳۵۷).

۱-۳-۳. عبرت آموزی از درگذشتگان

امام علیه‌السلام برای یادآوری کوتاهی دوران زمامداری به حاکمان و توجه دادن آنان به دوری از دنیا پرستی در این زمینه می‌فرماید: «آیا شما در جای گذشتگان خود به سر نمی‌برید که عمرشان از شما طولانی‌تر و آثارشان با دوام‌تر و آرزوهایشان درازتر و افرادشان بیش‌تر و لشکریانشان انبوه‌تر بودند؟ دنیا را چگونه پرستیدند و آن را چگونه بر خود گزیدند؟ و سپس از آن رخت بر بستند و رفتند» (خطبه ۱۱۱، ص ۱۵۱، پ ۳).

۴-۱. اصل محوریت دین در همه امور زندگی از جمله سیاست (جدائی‌ناپذیری دین از سیاست)

اگر دین‌محوری اصل امور قرار بگیرد و تدبیر زندگانی مبتنی بر آن باشد، انسان به سعادت

غیرمسلمانی که در پناه اسلام است " دست‌اندازی نکنید" (نامه ۵۱، ص ۴۰۱ پ ۴).

۱-۳-۴. تأکید بر محور قرار دادن کتاب و سنت در حل اختلاف امام علیه‌السلام در همین خصوص در نامه به مالک اشتر به ایشان می‌فرماید: « مشکلاتی که در احکام نظامیان برای تو پدید می‌آید و اموری که برای تو شبهه‌ناکند، به خدا و رسول خدا صلی‌الله و علیه و آله باز گردان، زیرا خدا برای مردمی که علاقه به هدایتشان داشته فرموده است: " اطاعت کنید خدا و پیامبرتان و ولی امرتان را، پس اگر در خبری کار به مشاجره کشید آن را به خدا و پیامبر ارجاع دهید " ارجاع به خداوند گرفتن آیات روشن و صریح کتاب اوست و واگذاری به پیامبر به معنای پیروی از سنت فراگیر و دور از اختلاف اوست» (نامه ۵۳، ص ۴۱۱، پ).

۱-۵. اصل حاکمیت اخلاق

از اخلاق تعاریف بسیار زیادی شده است، اما آنچه منظور ما از مزمن شدن به اخلاق است، ایجاد شناخت و برانگیخته شدن احساس برای تضعیف و انهدام صفات منفی و مراقبت و پرورش هماهنگ صفات مثبت است تا این صفات ملکه انسان شوند. با این تعریف از اخلاق، تمام آنچه امام علی علیه‌السلام در خصوص تهذیب نفس در موارد مختلف ذکر کرده‌اند، زیر لوای این اصل مسلم تربیتی قرار خواهد گرفت و بدیهی است که برای عبودیت باید مزمن به اخلاق حسنه بود. باید‌ها و نباید‌های اخلاقی آن‌قدر مهم اند که امام علی علیه‌السلام در بستر شهادت در وصیت به امام حسن و امام حسین علیه‌السلام می‌فرماید: «شما را به ترس از خدا سفارش می‌کنم، به دنیاپرستی روی نیاورید، گرچه به سراغ شما آید، و بر آنچه از دنیا از دست می‌دهید اندوهناک مباشید، حق را بگویید و برای پاداش الهی عمل کنید و دشمن ستمگر و یاور ستمدیده باشید» (نامه ۴۷، ص ۳۹۹، پ ۱)

روش‌های برگرفته از این اصل در سیره امام علی علیه‌السلام عبارت‌اند از:

خواهد رسید. آنگاه است که همه اعمال انسان با ترازوی دین ارزیابی خواهد شد. هر عملی که مطابق با آموزه‌های دینی باشد توجیه‌پذیر است و در غیراین صورت باید از آن چشم پوشید. امام علی علیه‌السلام در همه امور زندگانی مخصوصاً در دوره کوتاه حکومت خود این مهم را مورد تأکید قرار داده و بارها آن را به مناسبت‌های مختلف به کارگزاران و مردم تذکر داده‌اند. برخورد آن حضرت با مسئلت‌اندیشی عده‌ای که به امام علیه‌السلام پیشنهاد مباحثات در مقابل معاویه و حکومت او در شام را می‌دادند از همین روحیه دین‌محوری امام علیه‌السلام در امور زندگانی حکایت دارد. امام علی علیه‌السلام در مورد حفظ دین و محور قرار دادن آن در امور می‌فرماید: «ای بندگان خدا! آن کس که بیش تر به خود خیرخواهی توجه دارد، در برابر خدا، از همه کس فرمان‌بردارتر است، و آن کس که خویشتن را بیش تر می‌فریبد، نزد خدا گناه‌کارترین انسان هاست. زیان‌کار واقعی کسی است که خود را بفریبد و آن کس مورد غبطه است و بر او رشک می‌برند که دین او سالم است» (خطبه ۱۰۶، ص ۱۰۳، پ ۳).

روش‌های مبتنی بر این اصل که از سیره امام علی علیه‌السلام هستند، عبارت‌اند از:

۱-۴-۱. پرهیز دادن از به‌کار بردن فریب و نیرنگ در سیاست

امام علی علیه‌السلام در نشان دادن الگویی عملی برای این مسئله در پاسخ به کسانی که معاویه را شخصی سیاستمدار معرفی می‌کردند، می‌فرماید: «سوگند به خدا! معاویه از من سیاستمدارتر نیست، اما حيله‌گر و جنایت‌کار است. اگر نیرنگ ناپسند نبود، من زیرک‌ترین افراد بودم، ولی هر نیرنگی گناه، و هر گناهی نوعی کفر و انکار است» (خطبه ۲۰۰، ص ۳۰۱، پ ۳).

۱-۴-۲. توجیه‌ناپذیری رسیدن به هدف با هر وسیله

ایشان در همین زمینه در نامه‌ای به کارگزاران بیت المال نوشته‌اند: «... برای گرفتن مالیات از مردم، لباس‌های تابستانی و زمستانی، و مرکب‌سواری، و برده‌کاری آنان را نفروشید، و برای گرفتن درهمی، کسی را تازیانه نزنید و به مال کسی که "نماز گزار باشد، یا

۱-۵-۱. توصیه به جهاد با نفس
عادت ده، که شکیبایی در راه حق عادتت پسندیده است»
(نامه ۳۱، ص ۳۷۱، پ ۳).

۱-۵-۲. رفق و مدارا
امام علیه السلام در خصوص پرهیز از لجاجت و برگزیدن روش های منعطف در امر کشورداری به مالک می فرماید: «پس در مشکلات از خدا یاری جوی، و درشت خویی را با اندکی نرمی بیامیز. در آنجا که مدارا کردن بهتر است مدارا کن، و در جایی که جز با درشتی کار انجام نمی گیرد، درشتی کن» (نامه ۴۶، ص ۳۹۷، پ ۵).

۱-۵-۷. ترغیب به عدم کینه جویی
امام علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر در این باره به ایشان می فرماید: «از بخشیدن دیگران پشیمان مباش، از کيفر کردن شادی مکن و از خشمی که توانی از آن رها گردی شتاب نداشته باش» (نامه ۵۳، ص ۴۰۵، پ ۱).

۱-۵-۸. دوری از افراد عیبجو و سخن چین
امام علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر به او می فرماید: «از رعیت آنان که عیب جوترند از خود دور کن» (نامه ۵۳، ص ۴۰۵، پ ۳).

۱-۵-۹. توصیه به وفای به عهد
امام علی علیه السلام در عهدنامه مالک در این خصوص فرموده است: «در قرارداد نامه، دست از بهانه جویی بردار، مبدا مشکلات پیمانی که بر عهده ات قرار گرفته، و خدا آن را برگردنت نهاده است، تو را به پیمان شکنی وادارد، زیرا شکیبایی تو در مشکلات پیمان هایی که امید پیروزی در آینده را به همراه دارد، بهتر از پیمان شکنی است که از کيفر آن می ترسی، و در دنیا و آخرت نمی توانی پاسخ گوی پیمان شکنی باشی (همان، ص ۴۱۹، پ ۳).

۱-۵-۱۰. تأکید بر ولاداری
«مردم عیبوی دارند که رهبر امت اسلامی در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است، پس مبدا آنچه بر تو پنهان است آشکار گردانی، و آنچه هویدا است بپوشانی، که داوری درباره آنچه از تو پنهان است با خدای جهان است. پس چندان که می توانی زشتی ها را بپوشان، تا آن را که

مؤکد داشته اند، از جمله در نامه به مالک اشتر می فرمایند: «... به او فرمان می دهد تا نفس خود را از پیروی آرزوها بازدارد و به هنگام سرکشی رامش کند، چرا که همانا "نفس همواره به بدی وامی دارد جز آن که خدا رحمت آورد" (نامه ۵۳، ص ۴۰۳، پ ۳). همچنین آن حضرت در مذمت پیروی از هوای نفس به معاویه می فرماید: «پیروی از هواها و خواهش نفس تو را به بدی ها کشانده، و در پرتو گمراهی قرار داده است، و تو را در هلاک انداخته و راه های نجات را بر روی تو بسته است» (نامه ۳۰، ص ۳۶۹، پ ۳).

۱-۵-۲. پرهیز دادن از خود پسندی
خود پسندی از صفات بسیار مذمومی است که اگر زمامدار یا کارگزار دچار آن باشد، جامعه را به تباهی می کشد، به همین دلیل امام آنرا حتی بدتر از سیئه معرفی کرده اند و در مورد آن می فرماید: «سیئه و بدی که ترا اندوهگین سازد نزد خدا بهتر است از حسنه و خوبی که تو را به خودبینی و خود پسندی و سرافزاری وادارد» (حکمت ۴۶، ص ۴۵۳).

۱-۵-۳. تأکید بر پرهیز از ستم
ستم نیز از بدترین اعمالی است که ممکن است کارگزاران انجام دهند. امام علی علیه السلام در این مورد می فرماید: «بدترین توشه برای روز قیامت، ستم بر بندگان است» (حکمت ۲۲۱، ص ۴۸۳).

۱-۵-۴. نبی از دروغ گویی
امام علیه السلام در مذمت این رذیله اخلاقی به یکی از کارگزارانشان می فرماید: «همانا ستمگری و دروغ پردازی، انسان را در دین و دنیا رسوا می سازد و عیب او را در نزد عیب جویان آشکار می سازد (نامه ۴۸، ص ۳۹۹، پ ۴).

۱-۵-۵. توصیه به صبر و تحمل
امام علیه السلام در وصیت نامه خود به امام حسن علیه السلام در این خصوص می فرماید: «برای حق در مشکلات و سختی ها شنا کن، شناخت خود را در دین به کمال رسان، خود را برای استقامت در برابر مشکلات

جدول ۱: مبانی عبودیت و بندگی خداوند متعال، اصول و روش‌های مربوط به آن

مبنا	اصول	روش‌ها
خدا محوری		۱- توجه دادن به ارزش‌های الهی به جای ارزش‌های غیرالهی
		۲- نفی اطاعت از هرکس و هر چیز به جز خدا
		۳- توصیه به عمل کردن فقط برای خدا
		۴- تأکید بر ناظر دانستن خداوند در همه احوال
توکل بر خدا		۱- توجه دادن به رضامندی در رضایت خدا
		۲- توصیه به دعا و استعانت از خدا
		۳- امیدوار کردن به رحمت خدا
عبودیت و بندگی خداوند متعال	اعتقاد به عالم آخرت و زندگی پس از مرگ	۱- یادآوری مرگ
		۲- ترغیب به اکتفا کردن به دنیا در حد ضرورت
		۳- عبرت آموزی از درگذشتگان
محوریت دین در همه امور زندگی از جمله سیاست (جدائی ناپذیری دین از سیاست)		۱- پرهیز دادن از به کار بردن فریب و نیرنگ در سیاست
		۲- توجیه ناپذیری رسیدن به هدف با هر وسیله
		۳- تأکید بر محور قرار دادن کتاب و سنت در حل اختلاف
حاکمیت اخلاق		۱- توصیه به جهاد با نفس
		۲- پرهیز دادن از خودپسندی
		۳- تأکید بر پرهیز از ستم
		۴- نهی از دروغگویی
		۵- توصیه به صبر و تحمل
		۶- رفق و مدارا
		۷- ترغیب به عدم کینه‌جویی
		۸- دوری از افراد عیب‌جو و سخن‌چین
		۹- توصیه به وفای به عهد
		۱۰- تأکید بر رازداری

رسیدن به مراحل رشد خود کوتاهی کند و این حرکت حساب شده را بدون دشواری به سامان رساند تا بر اساس اراده او زندگی کنند. . . . موجودات را آفرید. پس آفرینش کامل شد و به عبادت و اطاعت او پرداختند. دعوت او را پذیرفتند و در برابر فرمان او سستی و درنگ نکردند و در اجرای فرمان الهی توقف نپذیرفتند. پس کجی‌های هر چیزی را راست و مرزهای هر یک را روشن ساخت و با قدرت خداوندی بین اشیای متضاد هماهنگی ایجاد کرد و وسایل ارتباط آنان را فراهم ساخت و موجودات را از نظر حدود، اندازه و غرایز و شکل‌ها و قالب‌ها و هیئت‌های گوناگون تقسیم و استوار فرمود و با حکمت و تدبیر

دوست داری بر رعیت پوشیده ماند خدا بر تو ببوشاند» (نامه ۵۳، ص ۴۰۵، پ ۲).

۲. مبناي توازن

این مبنا به موزون بودن خلقت انسان اشاره دارد و این‌که موجودیت انسان و سایر موجودات در زمین، موزون و منظم است. امام علی علیه‌السلام در اشاره به این مطلب می‌فرماید: «آنچه را آفرید با اندازه‌گیری دقیقی استوار کرد و با لطف و مهربانی نظم‌شان داد و به خوبی تدبیر کرد. هر پدیده را برای همان دلیل که آفریده شد به حرکت در آورد، چنان‌که نه از حد و مرز تجاوز نماید و نه در

اسماعیل نسبت به فرزندان اسحاق برتری ندارند (عرب بر عجم برتری ندارد) (همان، ص ۸۱).

۳-۱-۲. اصرار بر پاداش و تنبیه متناسب با عمل

امام علی علیه السلام در این خصوص به مالک اشتر می فرمایند: «هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند، زیرا نیکوکار بی رغبت و بدکاران در بدکاری تشویق می شوند، پس هر یک از آنان را بر اساس کردارشان پاداش بده» (نامه ۵۳، ص ۴۰۷، پ ۵).

۲-۲. اصل محوریت قانون (شرع)

امام علی علیه السلام در باب وجوب وجود حاکمی که باید نظام اجتماعی باید در سایه او شکل بگیرد و سامان یابد، می فرماید: «مردم به زمامدار نیک یا بد نیازمندند. تا مؤمنان در سایه حکومت، به کار مشغول و کافران هم بهره مند شوند، و مردم در پناه استقرار حکومت زندگی کنند. به وسیله حکومت بیت المال جمع آوری می گردد و به کمک آن می توان با دشمنان مبارزه کرد. جاده ها امن و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته می شود. نیکو کاران در رفاه و از دست بدکاران در امان هستند» (خطبه ۴۰، ص ۶۵، پ ۳). اما درباره این که چه کسی می تواند حاکم باشد و در خصوص منشأ و چگونگی مجموعه قوانینی که براساس آن جامعه اداره می شود معتقدند، قانونی که می تواند جامعه را در کمال عدل اداره کند، قانون شرع است، لذا خواستار محوریت آن در اداره جامعه هستند و قانون گرایی خویش می فرمایند: «چون کار حکومت به من رسید، به کتاب خدا و آنچه برای ما مقرر داشته و ما را به آن حکم کرده است نگریستم و از آن پیروی کردم و به سستی که رسول خدا صلی الله و علیه و آله نهاده است رفتم» (خطبه ۲۰۵، ص ۳۰۵).

روش های این اصل عبارتند از:

۲-۲-۱. ترغیب به رعایت احکام الهی و قوانین شرع

همانا خداوند واجباتی را بر شما لازم شمرده است، آنها را تباہ نکنید، حدودی برای شما معین فرموده است، از آنها تجاوز نکنید؛ از چیزهایی نهی فرموده، حرمت آنها را نگه دارید و درباره چیزهایی سکوت فرموده، نه از روی فراموشی، پس خود را درباره آنها به زحمت و رنج نیندازید» (حکمت ۱۰۵، صص ۶۲-۶۱، ۶۱).

خویش، هر یکی را به سرشتی که خود خواست، در آورد» (خطبه ۹۱، ص ۱۱۳، پ ۲).

۲-۱-۱. اصل عدالت

از دیدگاه امام علی علیه السلام، اداره بهتر اجتماع و توسعه امنیت و رفاه عموم مردمان مرهون تحقق عدالت و گسترش دادرزی در جامعه است «زیرا در عدالت گشایش برای عموم است» (خطبه ۱۵، ص ۳۹، پ ۳). حضرت علی علیه السلام برقراری عدالت در جامعه را از مهم ترین هدف های تشکیل حکومت تلقی کرده و در عمل نیز تمام توجه خود را معطوف گسترش عدالت اجتماعی کرده اند. همچنین امام عدالت را برترین فضیلت دانسته اند و وقتی از حضرت پرسیده شد که عدالت برتر است یا سخاوت، پاسخ دادند که عدالت هر چیز را در جای خود قرار می دهد، اما سخاوت آن را از مسیرش خارج می سازد، عدالت قانونی فراگیر و همگانی است، ولی سخاوت و بخشندگی جنبه خصوصی دارد پس عدالت برتر از سخاوت است (حکمت ۴۳۷، ص ۵۲۷).

۲-۱-۱. رعایت مساوات در میان امت

از مهم ترین تاکیدات امام علی علیه السلام به کارگزاران رعایت مساوات میان مردم است. ایشان در این زمینه فرموده اند:

«آیا به من دستور می دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره امت اسلامی که بر آنها ولایت دارم، استفاده کنم؟ به خدا سوگند! تا عمر دارم، و شب و روز برقرار است و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد! اگر این اموال از خودم بود به گونه ای مساوی در میان مردم تقسیم می کردم تا چه رسد که جز اموال خداست. آگاه باشید! بخشیدن مال به آنها که استحقاق ندارند، زیاده روی و اسراف است» (خطبه ۱۲۶، ص ۱۶۹، پ ۲).

۲-۱-۲. تأکید بر برخورداری همه اتحاد از حقوق شهروندی

دو زن آمدند که یکی عرب و دیگری غیر عرب بود. حضرت علی علیه السلام سهم مساوی به آنها داد. زن عرب اعتراض کرد و گفت، من عربم و آن دیگری عجم است. امام علی علیه السلام فرمود: در این فقره، فرزندان

۲-۲-۲. برهیز دادن از امتیاز خواهی

«و برهیز از آن که چیزی را به خود مخصوص داری که - بهره - همه مردم در آن یکسان است» (نامه ۵۳، پیشین).

۳-۲-۲. برهیز دادن از امتیازدهی به غیرحق

امام علی علیه السلام در همین باره به مالک اشتر می فرمایند: «همانا زمامدار را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاول‌گرند و در معاملات انصاف ندارند. ریشه ستمکاریشان را با بریدن اسباب آن بخشکان، و به هیچ یک از اطرافیان و خویشاوندان زمین واگذار مکن و به گونه ای با آنان رفتار نما که قراردادی به سودشان منعقد نشود که به مردم زیان رساند. مانند آبیاری مزارع، یا زراعت مشترک، که هزینه های آن را بر دیگران تحمیل کنند. در آن صورت سودش برای آنان و عیب و ننگش در دنیا و آخرت برای تو خواهد ماند» (نامه ۵۳، ص ۱۷، پ ۲).

۴-۲-۲. برهیز دادن مؤکد از رشوه خواری

«شب هنگام کسی به دیدار ما آمد و ظرفی سرپوشیده پر از حلوا داشت، از معجونی که در آن ظرف بود چنان از آن متنفر شدم که گویی با آب دهان مار سمی یاقی کرده مخلوط کرده‌اند به او گفتم هدیه است یا زکات یا صدقه که این دو بر ما اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و اله) حرام است. گفت نه زکات و نه صدقه بلکه هدیه است. گفتم زنان بچه مرده بر تو بگیرند، آیا از راه دین وارد شدی که مرا بفریبی یا عقلت آشفته شده یا جن زده شده‌ای یا هذیان می‌گویی؟» (خطبه ۲۲۴، ص ۳۲۹، پ ۱).

۵-۲-۲. تذکر به اعمال نظارت

امام علی علیه السلام در اعمال نظارت بسیار مُصَرِّ بودند و خود این کار را به نحو بسیار مطلوب و به شکل عادلانه انجام می‌دادند. امام در خصوص نظارت بر اعمال کارگزاران و عمال حکومت به مالک اشتر می‌فرمایند: «اعمال آن‌ها را زیر نظر بگیر و ناظرانی از افراد صادق و وفادار بر آنان بگمار، زیرا مراقبت پنهانی از اعمالشان آن‌ها را وادار به رعایت امانت و مدارا با مردم می‌کند» (همان، ص ۱۱، پ ۷).

۶-۲-۲. تذکر به استفاده به جا از قدرت

امام علی علیه السلام در تبیین این نکته به اشعث بن قیس فرماندار آذربایجان نوشته است: «همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نیست، بلکه امانتی در گردن توست» (نامه ۵، ص ۳۴۵، پ ۴).

۷-۲-۲. تأکید بر رعایت حقوق متقابل مردم و حاکمان

ای مردم مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است. حق شما بر من آن که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی سواد و نادان نباشید، و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید، و اما حق من بر شما این است که به بیعت من وفادار باشید، و در آشکار و پنهان بر این خیرخواهی کنید، هرگاه شما را خواندم اجابت کنید و هرگاه فرمان دادم اطاعت نمایید (خطبه ۳۴، ص ۶۱، پ ۲).

۳-۲. اصل شایسته سالاری

در نظر گرفتن توان، لیاقت و شایستگی افراد برای مناصبی که احراز می‌کنند از مهم‌ترین اصول در اداره جوامع بشری است. امام علی علیه السلام برای اثبات این اصل ابتدا به شایستگی خود در منصب خلافت اشاره کرده اند و می‌فرماید: «جایگاه من نسبت به حکومت اسلامی، چون محور آسیاب است به آسیاب که دور آن حرکت می‌کند» (خطبه ۳، ص ۲۹، پ ۳). کنایه از آن که ردای خلافت تنها زینده قامت من است. آن‌گاه امام علیه السلام در خطبه دیگری راجع به شایستگی زمامدار در زمامداری می‌فرماید: «کار مردم جز به شایستگی زمامداران سامان نمی‌یابد» (خطبه ۲۱۶، ص ۳۱۵) و در جای دیگر در همین باره می‌فرماید: «ای مردم! سزوارترین اشخاص به خلافت، آن کسی است که در تحقق حکومت نیرومندتر و در آگاهی از فرمان خدا داناتر باشد» (خطبه ۱۷۳، ص ۲۳۳، پ ۲). براساس همین اعتقاد است که امام علی علیه السلام خود شایسته‌ترین افراد را برای پست‌ها و مناصب حکومتی در نظر می‌گرفتند.

۱-۳-۲. تأکید بر انتخاب کارگزاران با لیاقت و شایسته

در این باره امام علی علیه السلام به مالک اشتر می‌فرماید: «سپس در کار عاملان خود بیندیش و پس از آزمودن، به کارشان بگمار و به میل خود و بی مشورت دیگران به

نهادهای وابسته به آن، و اصولاً تمام مظاهر زندگی اجتماعی انسان نشأت گرفته از همین مبنای وجودی است که از مبانی مهم تربیتی نیز هست. امام علی علیه السلام در اشاره به نیاز انسان به برقراری ارتباط با دیگران، از جمله خویشاوندان، می فرماید: «ای مردم! انسان هر مقدار که ثروتمند باشد، باز از خویشاوندان بی نیاز نیست تا با زبان و دست از او دفاع کنند. ... اضطراب و ناراحتی او را بزداوند و در هنگام مصیبت‌ها با او پرعاطفه‌ترین مردم باشند» (خطبه ۲۳، ص ۴۷، پ ۳). امام علی علیه السلام در این خطبه برآورده شدن نیازهای اولیه را دلیل اجتماعی بودن انسان دانسته‌اند و اکثر قریب به اتفاق اندیشمندان بشری نیز همین دلیل اجتماعی بودن انسان ذکر کرده‌اند.

از منظر امام علی علیه السلام این مبنای تربیت سیاسی دارای سه اصل است: مردم‌سالاری، سامان بخشیدن به وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه و تأمین امنیت.

۱-۳. اصل مردم سالاری

این اصل بیانگر توافق رأی و نظر مردم در مورد حکومت و سیاست و چگونگی اداره شدن اجتماعی است که در آن زندگی می کنند. در سیره امام علی علیه السلام احترام به انتخاب مردم - هرچند این انتخاب باعث ضایع شدن حق خلافت ایشان باشد- دیده می‌شود.

کاری مخصوصشان مدار، که به هوای خود رفتن و به رای دیگران ننگریستن، ستمگری بود و خیانت. کارگزاران دولتی را از میان مردمی با تجربه و با حیا از خاندان‌های پاکیزه و با تقوی که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند، انتخاب کن، زیرا اخلاق آنان گرمی تر و آبرویشان محفوظ تر و طمع ورزی شان کمتر و آینده نگری آنان بیشتر است» (نامه ۵۳، ص ۴۱۱).

۳. مبنای مدنیت

انسان ذاتاً موجودی مدنی و اجتماعی است و هدف‌های وی نیز در اجتماع بر آورده می شود. زندگی اجتماعی هزاران مسئله و مشکل برای انسان به وجود می‌آورد که باید حل کند و تکلیفش را در مقابل همه آنها روشن سازد و چون موجودی است اجتماعی، سعادت خود را باید در شاهراهی جستجو کند که جامعه را به سعادت و کمال برساند. دلیل جمع‌گرایی و مدنی بودن ذاتی انسان این است که به حکم عقل و اراده زندگی اجتماعی را انتخاب کرده است و باید بتواند نیازهای خود را که در متن خلقت او نهفته است، بهتر تأمین کند، هرچند که به نظر می‌آید ناگزیر بوده است (مطهری، ۱۳۶۹).

تعیین ضابطه‌ای برای این کار - قانون - تشکیل حکومت و

جدول ۴: مبنای توازن، اصول و روشهای مرتبط با آن

روشها	اصول	مبنا
۱- رعایت مساوات در بین امت ۲- تأکید بر برخورداری همه آحاد از حقوق شهروندی ۳- اصرار بر پاداش و تنبیه متناسب با عمل		۱. عدالت
۱- ترغیب به رعایت احکام الهی و قوانین شرع ۲- پرهیز دادن از امتیاز خواهی ۳- پرهیز دادن از امتیازدهی به غیرحق ۴- پرهیز دادن مؤکد از رشوه‌خواری ۵- تذکر به اعمال نظارت ۶- تذکر به استفاده به‌جا از قدرت ۷- تأکید بر رعایت حقوق متقابل مردم و حاکمان		توازن ۲. محوریت قانون (شرع)
۱- تأکید برانتخاب کارگزاران با لیاقت و شایسته		۳. شایسته سالاری

پذیرش خلافت بعد از قتل عثمان را حضور عامه مردم برای بیعت با خودشان عنوان کرده‌اند و می‌فرمایند: «شما مردم! برای بیعت کردن به من روی آوردید، همانند مادیان تازه زاییده که به طرف بچه‌های خود می‌شتابند، و پیاپی فریاد کشیدید بیعت! بیعت! من داستان خود را فرو بستم، اما شما به اصرار آن‌را گشودید...» (خطبه ۱۳۷، ص ۱۸۱، پ ۳).

۱-۱-۳. توجه دادن به مشارکت مردم در تعیین سرنوشت

امام علی علیه‌السلام در خصوص رعایت این حق مردم به مالک اشتر می‌فرماید: «

ای مالک، مبدا بگویی که به من فرمان داده‌اند و من اکنون فرمان می‌دهم و باید از من پیروی شود، زیرا اگر چنین بگویی، باعث تباهی شخصیت در دین و زوال حکومت می‌گردد (نامه ۵۳، ص ۴۰۵، پ ۱). در جای دیگر امام در رد استبداد و خودرأیی و تأیید مشارکت مردم در سرنوشت خود می‌فرماید: «هر کس که تنها به رأی خود اتکا کند نابود است و هر کس که دیگران را به رایزنی بخواند، در عقل ایشان سهم شده است» (حکمت ۱۶۱، ص ۴۷۵). ایشان همچنین درباره‌ی این اصل در حکومت خودشان فرمودند: سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود، و یاران حجت را بر من تمام نمی‌کردند، و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود و ... مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته رهایش می‌ساختم (خطبه ۳، ص ۳۱، پ ۵).

۲-۱-۳. توصیه به برخورد محبت‌آمیز با مردم

امام علی علیه‌السلام در این خصوص به مالک اشتر توصیه فرموده‌اند که:

«مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش» (نامه ۵۳، ص ۴۰۳، پ ۴)، در ادامه همین نامه امام علیه‌السلام تأکید می‌فرماید که: «در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باش، که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص را از بین می‌برد، اما خشم خواص را خشنودی همگان بی‌اثر کند» (همان، ص ۴۰۵، پ ۳).

امام علیه‌السلام پس از قتل عثمان، آن‌گاه که مردم هجوم آوردند تا با ایشان بیعت کنند، فرمود: «مرا واگذارید و دیگری را به دست آرید (این در حالی است که امام علی علیه‌السلام از طرف خداوند به امامت منصوب شده‌اند. علاوه بر آن، به دلایل فراوان عقلی و روشن، سزاوارترین و لایق‌ترین فرد برای حکومت بودند. ولی چون می‌دانستند بعضی از همین افراد در گفتارشان در خصوص حکومت ایشان صادق نیستند، چنین بیاناتی ایراد فرمودند) زیرا ما به استقبال حوادث و اموری می‌رویم که رنگارنگ و فتنه‌آمیز است و چهره‌های گوناگون دارد و دل بر این بیعت ثابت نخواهد ماند و عقل‌ها بر این پیمان استوار نمی‌ماند. چهره‌ی افق حقیقت را ابرهای تیره فساد گرفته و راه مستقیم حق ناشناخته مانده است. آگاه باشید، اگر دعوت شمار را بپذیرم، براساس آنچه می‌دانم عمل می‌کنم و به گفتار این و آن و سرزنش سرزنش‌کنندگان گوش فرا نمی‌دهم. اگر مرا رها کنید، یکی از شما هستم که شاید شنواتر و مطیع‌تر از شما در برابر رئیس حکومت باشم، پس وزیر و مشاورتان باشم بهتر است تا امیر و رهبر شما شوم» (خطبه ۹۲، ص ۱۲۳). با توجه به این خطبه می‌توان دریافت که امام علیه‌السلام مردم را در انتخاب رهبر محق دانسته‌اند و حتی تا آن‌جا پیش رفته‌اند که می‌فرمایند هر که را شما انتخاب کنید من هم از او اطاعت می‌کنم (سیره امام علی علیه‌السلام بیانگر این نکته است که علی‌رغم حق مسلم ایشان در زمینه خلافت مسلمانان، ایشان برای حفظ وحدت اجتماع مسلمانان از حق مسلمشان در این خصوص چشم پوشیدند، کما این‌که خود ایشان در مورد با بیعت مردم با ابوبکر در نامه ۶۲ می‌فرمایند» و با هجوم مردم به سوی ابوبکر برای بیعت از هر سو، من از بیعت دست باز داشتم‌ریال، چرا که می‌دیدم از هر کسی برای جانشینی پیامبر سزاوارترم. زمانی درنگ کردم - آن‌چه خدا بخواهد - تا وقتی دیدم مردم از دین اسلام بر می‌گردند و به نابودی دین و آیین محمد صلی‌الله و علیه و آله و ابراهیم دعوت می‌کنند. ترسیدم که اگر اسلام و مسلمانان را یاری ندهم در دین رخته‌ای پدید آید و بنای مسلمانی ویران شود. در این صورت مصیبت آن بر من بزرگ‌تر از محروم شدن از حکومت بر شما خواهد بود که متاعی چند روزه و زوال‌پذیر است و همانند سراب بیابان نابود شده و چون ابرهای آسمان پراکنده می‌شود» علی‌رغم این مسائل، امام علیه‌السلام در تمام مدت خلافت خلفای سه‌گانه، جز در مواردی که نص دین در خطر قرار می‌گرفت، هرگز در مخالفت با خلیفه اقدامی انجام ندادند. ایشان یکی از دلایل

۳-۱-۳. تأکید بر دوری از خشونت و خونریزی از خونریزی پرهیز و از خون ناحق پروا کن که هیچ چیز همانند خون ناحق، کيفر الهی را نزدیک و مجازات را بزرگ نمی‌کند و نابودی نعمت‌ها را سرعت نمی‌بخشد و زوال حکومت را نزدیک نمی‌گرداند» (نامه ۵۳، ص ۱۹، پ ۳).

۳-۲-۳. تأکید در به رسمیت شناختن حق حاکمیت افراد بر اموال و دارایی‌هایشان

امام علیه‌السلام در این خصوص به ماموران جمع آوری مالیات می‌فرماید: «با ترس از خدایی که یکتاست و همتایی ندارد حرکت کن، در سر راه، هیچ مسلمانی را نترسان، یا با زور از زمین او نگذر، و افزون از حقوق الهی از او بگیر، هر گاه به آبادی رسیدی در کنار آب فرود آئی، و وارد خانه کسی مشو، ... سپس می‌گویی: ای بندگان خدا، مرا ولی خدا و جانشین او به سوی شما فرستاده است تا حق خدا را که در اموال شماست تحویل بگیرم، آیا در اموال شما حقی است که به نماینده او بسپارید؟ اگر کسی گفت نه، دیگر به او مراجعه نکن و اگر کسی پاسخ داد آری، همراهش برو، بدون آنکه او را بترسانی یا تهدید کنی یا به کار مشکلی وادار سازی، هرچه طلا و نقره به تو رساند بردار و اگر دارای گوسفند یا شتر بود، بدون اجازه اش داخل مشو که اکثر اموال از آن اوست ...» (نامه ۲۵، ص ۳۶۱، پ ۱).

۳-۲-۴. اصرار در بازگرداندن اموال غصب شده به صاحبانش

امام در این خصوص فرمودند: «به خدا سوگند بیت‌المال تاراج شده را هر کجا بیابم، به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم، گرچه با آن فرد ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند، زیرا در عدالت گشایش برای عموم است» (خطبه ۱۵، ص ۳۹).

۳-۲-۳. نظارت دقیق بر بیت‌المال

همانا من، به راستی به خدا سوگند می‌خورم، اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده و در هزینه عیال، درمانده و خوار و سرگردان شوی» (نامه ۲۰، ص ۳۵۷).

۳-۲-۴. حمایت از تجارت و صنعت

امام علی علیه‌السلام به مالک اشتر می‌نویسد: «سفارش مرا به بازرگانان و صاحبان صنایع بپذیر و آن‌ها را به نیکوکاری سفارش کن، بازرگانانی که در شهر ساکنند یا

تأکید بر جبران مافات در صورت اشتباه کارگزاران اگر به خطا خون کسی ریختی یا تازیانه یا شمشیر یا دستت دچار تندروی شد، مبدا غرور قدرت، تو را از پرداخت خون‌بها به بازماندگان مقتول باز دارد (همان).

۳-۱-۴. تأکید بر جبران مافات در صورت اشتباه کارگزاران

اگر به خطا خون کسی ریختی یا تازیانه یا شمشیر یا دستت دچار تندروی شد، مبدا غرور قدرت، تو را از پرداخت خون‌بها به بازماندگان مقتول باز دارد (همان).

۳-۱-۵. تأکید بر حفظ اسرار مردم

امام علی علیه‌السلام در این مورد به مالک می‌فرماید: «مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آنها از همه سزاوارتر است» (همان).

۳-۱-۶. تأکید بر انتخاب مشاوران آگاه و دانا

امام علی علیه‌السلام به مالک اشتر می‌فرماید: «در امور کارمندان بیندیش، و پس از آزمایش به کارشان بگمار و با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران آنان را به کارهای مختلف وادار نکن، زیرا نوعی ستمگری و خیانت است» (نامه ۵۳، ص ۱۱، پ ۳).

۳-۱-۷. توصیه به حضور رهبران در میان مردم

امام علی علیه‌السلام در این خصوص به مالک می‌فرماید: «هیچ‌گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار که پنهان بودن رهبران نمونه‌ای از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی در امور جامعه است، نهان شدن از رعیت زمام‌داران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است باز می‌دارد» (نامه ۵۳، ص ۱۷، پ ۲).

۳-۲. اصل سامان بخشیدن به وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه

یکی از مهم‌ترین اهداف امام علی علیه‌السلام در حکومتش ساختن جامعه‌ای با اقتصاد سالم، درآمد بالا و دارای عمران و آبادانی بود مردم با برخورداری از رفاه نسبی، به معنویات، رشد کمالات و بالابردن سطح فرهنگ و آگاهی خود دست یابند (علیخانی، ۱۳۸۱، ص ۸۹) به همین دلیل در نظر ایشان حکومت سامان‌دهی وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه از مهم‌ترین وظایف است. تا

آنان که همواره در سیر و کوچ کردن هستند و بازرگانی که با نیروی جسمانی کار می‌کنند، چرا که آنان منابع اصلی منفعت و پدیدآورندگان وسایل زندگی و آسایش و آورندگان وسایل زندگی از نقاط دور دست و دشوارند ... در کار آن‌ها بیندیش! چه در شهری باشند که تو به سرمی‌بری یا در شهرهای دیگر» (نامه ۵۳، ص ۱۵، پ ۱).

۳-۲-۵. جلوگیری از احتکار، کران‌فروشی و سودجویی

امام علی علیه‌السلام درخصوص مبارزه با این دسته به مالک می‌فرماید: «بدان که در میان بازرگانان کسانی هم هستند که تنگ‌نظر و بدمعامله و بخیل و احتکار کننده‌اند، تنها با زورگویی به سود خود می‌اندیشند و کالا را با هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند، و این سودجویی و گران‌فروشی برای همه آحاد جامعه زیان‌بار و عیب بزرگی برای زمام‌دار است. پس، از احتکار جلوگیری کن که رسول خدا صلی‌الله و علیه و آله از آن جلوگیری می‌کرد. باید خرید و فروش در جامعه اسلامی، به سادگی و با موازین عدالت و با نرخ‌هایی که به فروشنده و خریدار زبانی نرساند. کسی که پس از منع تو احتکار کند، او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود، اما در کیفر او اسراف نکن» (همان).

۳-۲-۶. هشدار درباره رسیدگی به امور محرومان و نظارت بر زندگی آنان
امام علیه‌السلام در این خصوص به مالک می‌فرماید:

«خدا را! خدا را! در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه، که هیچ چاره‌ای ندارند، اعم از زمین‌گیران، نیازمندان، گرفتاران و دردمندان؛ همانا در این طبقه محروم، گروهی خویش‌داری و گروهی به گدایی دست نیاز برمی‌دارند. پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه (محرومان) معین فرموده است، بخشی از بیت‌المال و بخشی از غله‌های زمینی غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقه پائین اختصاص ده، زیرا برای دورترین مسلمان همانند نزدیک‌ترین آن‌ها سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن هستی. مبدا سرمستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد که هرگز انجام دادن کارهای فراوان و مهم عذری برای ترک مسئولیت‌های کوچک‌تر نخواهد بود» (نامه ۵۳، ص ۱۵، پ ۲).

۳-۲-۷. توجه دادن به سامان‌دهی وضعیت مالیاتی
ایشان در این خصوص به مالک اشتر می‌فرمایند: «مالیات و بیت‌المال را به گونه‌ای واریسی کن که به صلاح مالیات‌دهندگان باشد، زیرا بهبودی مالیات و مالیات‌دهندگان، عامل اصلی امور دیگر اقشار جامعه است و تا امور مالیات‌دهندگان اصلاح نشود، کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت. زیرا همه مردم نان‌خور مالیات و مالیات‌دهندگانند» (نامه ۵۳، ص ۱۳، پ ۲).

۳-۲-۸. توجه به آبادانی زمین و کشاورزی

«باید تلاش تودر آبادانی زمین بیش‌تر از جمع‌آوری خراج باشد که خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود می‌کند، و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد» (همان).

۳-۳-۱. اصل تأمین امنیت

۳-۳-۱. توجه دادن به لزوم تشکیل سپاه

امام علی علیه‌السلام در این زمینه به مالک می‌فرماید: «سپاهیان به فرمان خدا، پناهگاه استوار رعیت و زینت وفادار زمامداران، شکوه دین و راه‌های تحقق امنیت کشور هستند. امور مردم جز با سپاهیان استوار نشود» (نامه ۵۳، ص ۹، پ ۲).

۳-۳-۲. بسیج مردم داوطلب هنگام تهدید امنیت

به سوی فرمانده خود بشتابید و در جهاد بر دشمن بر یکدیگر پیشی بگیرید به خواست خدای عزیز و بزرگ» (نامه ۱، ص ۳۴۳، پ ۲). اما در این خصوص لازم است به نکته‌ای اشاره شود که امام علی علیه‌السلام به آن توجه داشته و کارگزاران را نیز متوجه آن کرده‌اند؛ نکته این است که شرکت در بسیج همگانی باید داوطلبانه باشد نه به اجبار. امام علیه‌السلام در این مورد به عثمان بن حنیف می‌نویسد: «با کمک فرمان‌برداران با مخالفان نبرد کن، و از آنان که فرمان می‌برند برای سرکوب آن‌ها که از یاری تو سر باز می‌زنند مددگیر، زیرا بهتر است کسی که از جنگ کراهت دارد، در آن شرکت نداشته باشد و شرکت نکردنش از یاری دادن اجباری بهتر است» (نامه ۴، ص ۳۴۵، پ ۲).

رزمندگان، آرامش فکری تو و امنیت کشور در صلح تأمین می‌شود (همان).

۳-۳-۵. تذکر به حزم و دوراندیشی با دشمن در زمان صلح
امام علیه‌السلام در این زمینه به مالک هشدار می‌دهند:
«زنهار، زنهار، از دشمن خدا پس از آشتی کردن، زیرا گاهی دشمن نزدیک می‌شود تا غافلگیر کند، پس دوراندیش باش و خوشبینی خویش را متهم مکن» (همان، ص ۴۱۹).

۴. مبنای تأثیر محیط

انسان موجودی اجتماعی است که به سبب خلقت خویش، در وضعیت‌های مختلف محیطی در معرض حالات، احساسات و افکار معینی قرار می‌گیرد. علت شکل‌گیری چنین حالات و احساساتی این است که آدمی همواره با غیر در ارتباط قرار دارد.

۳-۳-۳. توصیه درباره رسیدگی به وضعیت سپاهیان

امام در این خصوص به مالک توصیه می‌فرمایند: «در کارهای آنان (سپاهیان) به گونه ای بیندیش که پدری مهربان درباره فرزندش می‌اندیشد، و مبادا آنچه را که آنان را بدان نیرومند می‌کنی در نظرت بزرگ جلوه کند و نیکو کاری خود را در حق آنان هر چند اندک باشد، خوار مپندار، زیرا نیکی، آنان را به خیر خواهی تو خواند، و گمانشان را در مورد تو نیکو گرداند و رسیدگی به امور کوچک آنان را به خطر رسیدگی به کارهای بزرگشان وامگذارد، زیرا از نیکی اندک تو سود می‌برند و از نیکی‌های زیاد تو بی‌نیاز نیستند» (نامه ۵۳، ص ۴۰۹، پ ۳).

۳-۳-۴. تأکید بر اولویت دادن به صلح

توصیه امام علی علیه‌السلام به مالک اشتر در این خصوص چنین است. «هرگز پیشنهاد صلح از طرف دشمن را که خشنودی خدا در آن است رد مکن که آسایش

جدول ۳: مبنای مدنیت، اصول و روشهای مرتبط با آن

روش‌ها	اصول	مبنا
۱- توجه دادن به مشارکت مردم در تعیین سرنوشت ۲- توصیه به برخورد محبت آمیز با مردم ۳- تأکید بر دوری از خشونت و خونریزی ۴- تأکید بر جبران مافات در صورت اشتباه کارگزاران ۵- تأکید بر حفظ اسرار مردم ۶- تأکید بر انتخاب مشاوران آگاه و دانا ۷- توصیه به حضور رهبران در میان مردم	۱. مردم سالاری	
۱- تأکید در به رسمیت شناختن حق حاکمیت افراد بر اموال و دارایی‌هایشان ۲- اصرار در بازگرداندن اموال غصب شده به صاحبانش ۳- نظارت دقیق بر بیت‌المال ۴- حمایت از تجارت و صنعت ۵- جلوگیری از احتکار، گرانفروشی و سود جویی ۶- هشدار درباره رسیدگی به امور محرومان و نظارت بر زندگی آنان ۷- توجه دادن به ساماندهی وضعیت مالیاتی ۸- توجه به آبادانی زمین و کشاورزی	۲. سامان دادن به وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه	۳. تأمین امنیت
۱- توجه دادن به لزوم تشکیل سپاه ۲- بسیج مردم داوطلب هنگام تهدید امنیت ۳- توصیه درباره رسیدگی به وضعیت سپاهیان ۴- تأکید بر اولویت دادن به صلح ۵- تذکر به حزم و دوراندیشی با دشمن در زمان صلح		

را با خوشی‌های خود فریب داده و به سوی خود می‌خواند، و تو به دعوت آن پاسخ داده‌ای، فرمانت داد و اطاعت کردی. همانا به زودی تو را وارد میدان خطرناکی می‌کند که هیچ سپر نگهدارنده‌ای نجات نمی‌دهد. ای معاویه از این کار دست بکش و آماده حساب باش، و آماده حوادثی باش که به سراغت می‌آید. به گمراهان فرومایه گوش مسپار. اگر چنین نکنی به تو اعلام می‌دارم که در غفلت‌زدگی قرار گرفته‌ای؛ همانا تو نازپرورده‌ای هستی که شیطان بر تو حکومت می‌کند و با تو به آرزوهایش می‌رسد. ... تو را می‌ترسانم از این‌که به دنبال آرزوها تلاش کنی» (نامه ۱۰، ص ۳۴۹، پ ۳).

روش‌های بر گرفته از این اصل عبارت‌اند از:

۴-۱-۱. اهتمام به زدودن شبهات کمره کننده

در همین خصوص درباره پیروان معاویه به او می‌فرماید: «در موج سرکش دریای جهالت خود غرقشان کردی، به طوری که تاریکی‌ها آنان را فراگرفت، در امواج انواع شبهات غوطه‌ور شدند و از راه حق، به بیراه افتادند» (نامه ۳۲، ص ۳۸۳). اما امام علی علیه‌السلام برای زدودن شبهه‌ها به مالک می‌فرماید: «اموری که برای تو شبهه‌ناکند به خدا و رسول خدا بازگردان. . . باز گرداندن چیزی به خدا، یعنی عمل کردن به قرآن، و باز گرداندن به پیامبر صلی‌الله و علیه و آله یعنی عمل کردن به سنت او» (نامه ۵۳، ص ۴۱۱، پ ۴).

۴-۱-۲. پرهیز دادن از مصاحبت با بدان

امام علی علیه‌السلام کارگزاران و مردم را از همنشینی با بدان برحذر می‌دارد و در این مورد به حارث همدانی در خصوص اخلاق کارگزاری می‌نویسد: «از دوستی با بی‌خردان و خلافکاران پرهیز، زیرا هرکس را به دوستش می‌شناسند» (نامه ۶۹، ص ۴۳۵، پ ۴).

۴-۱-۳. توصیه به همنشینی با نیکان

امام علی علیه‌السلام در این خصوص به مالک می‌فرماید: «تا می‌توانی به پرهیزگاران و راستگویان بپیوند و آنان را چنان پرورش ده که تو را فراوان نستایند» (نامه ۵۳، ص ۴۰۷، پ ۴).

این غیر، طبیعت، دیگران و به طور کلی محیط پیرامون است. اما آنچه در این میان از همه مهم‌تر است ارتباط انسان با افراد دیگر و پیوند های آدمیان با هویت جمعی است. منظور این است که جمع یا به‌طور کلی محیط بر انسان باید آن را تأثیرپذیری از شرایط اجتماعی تلقی کرد. به این ترتیب فرازهای مختلف زمانی و موقعیت‌های مختلف مکانی می‌توانند منشأ آثار متفاوتی بر انسان باشند و گاه زندگی انسان را کاملاً تغییر می‌دهند.

امام علی علیه‌السلام به این نکته به خوبی واقف بوده‌اند و با آگاهی از تاثیر عوامل بیرونی و محیطی بر مردم و کارگزاران حکومت، در هر فرصت مناسبی درباره آن آگاهی داده و خواستار توجه کارگزاران و مردم به این مهم بوده‌اند. امام چنان از تأثیر محیط بر آدمی سخن می‌گوید که گویی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر رفتار و کردار آدمی است. ایشان در حکمت زیبا و عمیقی فرموده‌اند: «هرگاه نیکوکاری بر روزگار و مردم آن غالب آید، اگر کسی بر دیگری گمان بد برد؛ در حالی که او عمل زشتی آشکار نشده باشد، ستمکار است، و اگر بدی بر زمانه و مردم آن غالب شود؛ و کسی به دیگری خوش گمان باشد، خود را فریب داده است» (حکمت ۱۱۴، صص ۶۶-۶۷). مسلم است که چون آدمی تا این حد تحت تاثیر محیط خود قرار دارد، برای تربیت وی باید محیط را آماده و مهیا کرد، زیرا با آماده شدن محیط عملی کردن تربیت به مراتب سهل‌تر و آسان‌تر خواهد شد.

از منظر امام علی علیه‌السلام این مبنای تربیت سیاسی دارای دو اصل: اصلاح شرایط و ایجاد زمینه.

۴-۱-۱. اصل اصلاح شرایط

این اصل بیانگر آن است که برای زدودن پاره‌ای از حالات و رفتارهای نامطلوب و نیز برای ایجاد حالات و رفتارهای مطلوب در انسان باید شرایط محیطی او را دست‌کاری کرد. تغییر روابط آدمی با دست‌کاری شرایط زمانی و مکانی و خاصه شرایط اجتماعی، می‌تواند مبدأ بسیاری از حالات و رفتارهای او باشد. اصلاح شرایط از مواردی است که امام علی علیه‌السلام برای به‌راه آوردن بندگان نافرمان خدا از آن استفاده می‌کند و این کار را به صورتی مؤکد به کارگزاران توصیه می‌کند؛ از جمله امام علیه‌السلام در نامه‌ای خطاب به معاویه می‌نویسد: «دنیا تو

باشد. خطبه های امام علیه السلام و روشنگری های ایشان برای مردم قبل از هر اقدام مهمی، از جمله جنگ های جمل، صفین و نهروان، گویای توجه امام به این مهم بوده است.

۴-۲. برهیز از غفلت در عمل کردن در زمان مناسب از اصول مسلم مدیریت صحیح که نشانه تدبیر فرد است عملی کردن به موقع تصمیماتی است که در تمام امور می تواند راهگشا باشد. امام در اشاره به همین مسئله می فرماید: «حال که زنده و برقرارید، پس عمل نیکو انجام بدهید، زیرا پرونده ها گشوده و راه توبه آماده است و خدا فراریان را می خواند».

۴-۳. تأکید به همت در انجام دادن عمل همت والا از مهم ترین خصوصیات یک زمامدار موحد و اصلی ترین وسیله و ضرورت اجرای کارهای بزرگ برای کشور و امت است. امام علیه السلام در ارزش این خصوصیت فرموده اند: «ارزش مرد به اندازه همت اوست» (حکمت ۴۷، ص ۵۳).

۴-۴. مطالعه پیرامون انجام دادن عمل «سپس در امور نویسندگان و منشیان به درستی بیندیش و کارهایت را به بهترین آنان واگذار و نوشتن نامه های محرمانه ات را، که در بردارنده سیاست ها و اسرار توست، از میان نویسندگان به کسی اختصاص ده که صالح تر از دیگران باشد» (نامه ۵۳، ص ۱۳، پ ۲).

۴-۵. توصیه در مورد وارد شدن به میدان عمل و نهراسیدن از آن شجاعت در انجام دادن عمل و نهراسیدن از کارهای بزرگ و دشوار از ویژگی های یک زمامدار اسلامی است. امام علیه السلام در همین خصوص می فرماید: «هنگامی که از چیزی می ترسی، خود را در آن بیفکن، زیرا گاهی ترسیدن از چیزی از خود آن دشوارتر است» (حکمت ۱۷۵، ص ۴۷۵).

۴-۵. دلسرد نشدن از دشواری ها و سرزنش ملامت گران از آن جا که هدف زمامداران اسلامی در زمینه خدمت به خلق و تلاش برای مردم رضای خداوند است، دل سرد شدن در این راه بی معنی است. امام علیه السلام در این باره می فرمایند: «در راه خدا تلاش کن و هرگز سرزنش

۴-۱-۴. فرار نگرفتن در مواضع تهمت

حساسیت جایگاه زمامداری مردم باعث می شود که تمامی اعمال و حرکات زمامدار زیر ذره بین نکته سنجان قرار بگیرد، از این رو، و برای حفظ شأن و جایگاه رهبری در میان امت، زمامدار باید از مواضع تهمت دوری کند. امام علی علیه السلام در این خصوص می فرماید: «کسی که خود را در جایگاه تهمت قرار داد، نباید جز خود را نکوهش کند (حکمت ۱۵۹، ص ۴۷۵).

۴-۲. اصل ایجاد زمینه

حالات و اعمال آدمی در بستر شرایط و موقعیت ها می روید و از آن ها ارتزاق می کند، از این رو شرایط و موقعیت های مختلف بالقوه حامل عوامل متفاوتی در شکل دهی به حالات و اعمال انسان هستند. انتخاب و تنظیم مناسب زمینه ها و شرایط به منزله عامل تسهیل کننده ای است که امکان شکل گیری ها و شکل دهی های مطلوب را بالا می برد. در این اصل همین امکانات بالقوه مورد نظر است. طبق این اصل باید شرایطی را که تسهیل کننده حالات و رفتارهای مطلوب یا نامطلوب هستند، از پیش به نحو مقتضی دگرگون کرد (باقری، ۱۳۷۴). امام علی علیه السلام به این اصل تربیتی توجه کامل داشته اند و در بسیاری از توصیه های اخلاقی و تربیتی، با نظر به همین اصل، رهنمودهای ارزنده ای برای ایجاد زمینه و به وجود آوردن امکان تعالی در حیطه های مختلف به مردم و کارگزاران ارائه کرده اند. به عنوان مثال امام علیه السلام برای ایجاد شوق به دانستن در مردم فرموده اند: «مردم دشمن چیزهایی هستند که نمی دانند» (حکمت ۱۷۲، ص ۴۷۵). یا در مورد به وجود آوردن میل به مشورت در مردم می فرماید: «آن کس که از افکار و آرای گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب شناسد» (حکمت ۱۷۳، ص ۴۷۵). و نمونه های بسیار زیادی از این دست. با دقت در این نمونه ها مشخص می شود که در این باب امام علی علیه السلام ابتدا مسئله را روشن و سپس مزایای ایجاد زمینه مناسب را بیان می کنند تا مربی برای ایجاد زمینه مزبور ترغیب شود.

روش ها عبارتند از:

۴-۱-۲. به وجود آوردن بستر فکری مناسب برای انجام دادن هر عمل اجرای هر برنامه و سیاستی در جامعه به شرطی موفق خواهد بود که بستر فکری مناسب آن از قبل آماده شده

نظر دوزد تا آن را به منزلگاهی بهتر مبدل کند» (خطبه ۲۱۴، ص ۳۱۳، پ ۳).
از منظر امام علی علیه‌السلام این مبانی تربیت سیاسی دارای دو اصل است: تعقل و تفکر و کسب بینش.

۱-۵. اصل تعقل و تفکر

این اصل ناظر به ویژگی اندیشه ورزی در انسان است. در بحث از این ویژگی گفته شد که همه انسان‌ها درگیر اندیشه ورزیند. به عبارت دیگر، اندیشه تکلیفی نیست و امر به تفکر، موردی ندارد. اما اگر جایی شاهد امر به تفکر باشیم، در واقع امر به نوع معینی از تفکر مورد نظر است. هرگاه تفکر و تعقل به نحو مترادف به کار روند، مقصود همین تفکری است که هدفی خاص آن را هدایت می‌کند. در سیره امام علی علیه‌السلام نیز امر به تفکر به همین معنا و در خصوص مواردی به کار رفته است که موجب تعالی بشر می‌شود. ایشان قوه تعقل را از نعمات خداوندی در انسان دانسته‌اند و در این مورد می‌فرمایند: «سرمایه‌ای سودمندتر از عقل نیست» (حکمت ۱۱۳، ص ۴۶۳).

۱-۵. توصیه به علم‌آموزی

علم‌آموزی مهم است که خود بستری مناسب برای تفکر صحیح است. زمامدار عالم، هم آگاهانه تصمیم می‌گیرد و هم آگاهانه دست به اقدام می‌زند و به این سبب اقداماتش از پشتوانه علمی برخوردار است.

ملاطمت‌گران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد. برای حق در مشکلات و سختی‌ها شنا کن، شناخت خود از دین را به کمال برسان، خود را برای استقامت در برابر مشکلات عادت ده که شکیبایی در راه حق، عادتی پسندیده است» (نامه ۳۱، ص ۳۷۱، پ ۳).

۵. مبانی اندیشه‌ورزی

یکی از ویژگی‌های عمومی انسان اندیشه ورزی است که وجه تمایز انسان از سایر موجودات محسوب می‌شود. از این لحاظ انسان، تلاش و پویایی در قبال معماهاست و با این معنی انسان‌ها همه متفکرند و به همین دلیل نیز مکلف به انجام دادن اموری هستند که از عهده دیگر مخلوقات بر نمی‌آید. اما بسیار پیش آمده که انسان از قوه اندیشه خود درست و به‌جا استفاده نکرده است و اگر گاه قومی به سبب عدم تفکر مورد نکوهش قرار گرفته‌اند، در واقع علت آن نه عدم تفکر، بلکه عدم تفکر معین و مفید بوده است. امام علی علیه‌السلام در خصوص جایگاه اندیشه و تفکر در رأی و عمل، مکرر به مردم و کارگزاران خود توصیه فرموده‌اند و خواستار به‌کارگرفتن این مبنا و وجودی در جهت انس با خدا شده‌اند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «پس آدمی باید اندر زها را بپذیرد و پیش از رسیدن رستاخیز، پرهیزکار باشد و در مورد کوتاهی روزگارش اندیشه کند و به ماندن کوتاه در دنیا

جدول ۴: مبانی تأثیر محیط، اصول و روش‌های مرتبط با آن

روش‌ها	اصول	مبنا
۱- اهتمام به زدودن شبهات گمراه کننده ۲- پرهیز دادن از مصاحبت با بدان ۳- توصیه به همنشینی با نیکان ۴- قرار نگرفتن در مواضع تهمت	۱. اصلاح شرایط	
۱- به‌وجود آوردن بستر فکری مناسب برای انجام دادن هر عمل ۲- پرهیز از غفلت در عمل کردن در زمان مناسب ۳- تأکید به همت در انجام دادن عمل ۴- مطالعه پیرامون انجام دادن عمل ۵- توصیه درباره وارد شدن به میدان عمل و نهراسیدن از آن ۶- دلسرد نشدن از دشواری‌ها و سرزنش ملاطمت گران	۲. ایجاد زمینه	تربیت مبانی

و کوشید تا عدالت را پاس دارد و برای گمراهان جای اعتراض باقی نگذارد، در زمینه حق سخت‌گیری کند، یا در سخن حق تحریف روا ندارد، یا در گفتن سخن راست نترسد. پس به‌هوش باش ای شنونده و از خواب غفلت بیدار شو، و از شتاب خود کم کن، و در آنچه از زبان پیامبر صلی‌الله و علیه و آله بر تو رسیده است اندیشه کن» (خطبه ۱۵۳، ص ۲۰۱، پ ۲). از این سخنان امام علی علیه السلام کاملاً مشخص است که بینش حاصل نمی‌شود مگر با نیک بودن و نیک‌کرداری، عادل بودن و به عدالت رفتار کردن.

روش‌های این اصل عبارت‌اند از:

۱-۲-۵. توجه دادن درخصوص توسل به قرآن در سیره امام علی علیه‌السلام مهم‌ترین راه کسب بینش توسل به قرآن ذکر شده است. امام علیه‌السلام در این باره فرموده است. «این قرآن است که با آن می‌توانید راه حق را بنگرید و با آن سخن بگویید و به وسیله آن بشنوید. بعضی از آیات قرآن از بعضی دیگر سخن می‌گویند و برخی بر برخی دیگر گواهی می‌دهند. آیاتش در مورد شناساندن خدا اختلافی ندارند و کسی را که همراهش شد از خدا جدا نمی‌سازد» (خطبه ۱۳۳، ص ۱۷۹، پ ۳).

۲-۲-۵. توصیه درخصوص توسل به اهل بیت پیامبر امام علیه‌السلام برای رسیدن به بینش و رستگاری حاصل از آن توصیه می‌فرمایند که به اهل بیت پیامبر صلی‌الله و علیه و آله مراجعه شود. ایشان در این باره گفته‌اند: «رستگاری را از اهل آن جستجو کنید که اهل بیت پیامبر صلی‌الله و علیه و آله رمز حیات دانش، و راز مرگ جهل و نادانی هستند. آنان هستند که حکمتشان شما را از دانش آنان و سکوتشان از منطق آنان، و ظاهرشان از باطنشان، مطلع می‌کند» (خطبه ۱۴۷، ص ۱۹۳، پ ۳).

امام علی علیه‌السلام در خصوص ارزش والای علم‌آموزی و مقایسه آن با کسب مال و ثروت به کمیل می‌فرماید: «مردم سه دسته‌اند: دانشمند الهی، و آموزنده‌ای بر راه رستگاری و گروهی که مثل پشه‌های دست‌خوش باد و طوفان، همیشه سرگردانند، به دنبال هر سر و صدایی می‌روند و با وزش هر بادی حرکت می‌کنند؛ نه از روشنایی دانش نور گرفته‌اند، نه به پناهگاه استواری پناه دارند. ای کمیل دانش بهتر از ثروت است، زیرا علم، نگهبان توست و مال را باید تو نگهبان باشی، مال با بخشش کاستی پذیرد، اما علم با بخشش فزونی می‌گیرد و مقام و شخصیتی که با مال به دست آمده است با نابودی مال نابود می‌شود. ای کمیل بن زیاد! شناخت علم راستین آیینی است که به آن پاداش داده می‌شود و انسان در دوران زندگی، با آن خدا را اطاعت می‌کند، و پس از مرگ نام نیکو به یادگار گذارد. دانش فرمانروا و مال فرمان‌بر است. ای کمیل، ثروت‌اندوزان بی‌تقوا مرده‌اند، گرچه به ظاهر زنده‌اند. اما دانشمندان تا دنیا برقرار است زنده‌اند، گرچه بدن‌هاشان در زمین پنهان است، یادشان در دل‌ها همیشه زنده است» (حکمت ۱۴۷، ص ۴۷۱).

۲-۵. اصل کسب بینش

عینی شدن ارزش‌ها و دستیابی به شناخت امور، مخصوصاً آن‌جا که به تعالی انسان بینجامد، مسئله‌ای است که یکی از غایبات تربیتی اسلام را دربرمی‌گیرد. برای به دست آوردن بینش باید ابزار آن را در هرزمینه‌ای جستجو کرد و به کار برد. در سیره امام علی علیه‌السلام بینش در مقابل غفلت‌زدگی به کار برده شده است و امام علیه‌السلام در مورد به‌کارگیری ابزار بینش می‌فرماید: «هرکس باید از کار خویش بهره‌گیرد، و انسان بینا کسی است که به درستی شنید و اندیشه کرد، پس به درستی نگریست و آگاه شد و از عبرت‌ها پند گرفت، سپس راه روشنی را پیمود و از افتادن در پرتگاه‌ها و گم شدن در کوره‌راهها، دوری کرد،

جدول ۵: اندیشه ورزی، اصول و روشهای در رابطه با آن

روش‌ها	اصول	مبنا
۱. توصیه به علم‌آموزی	۱. تعقل و تفکر	اندیشه‌ورزی
۱. توجه دادن درخصوص توسل به قرآن ۲. توصیه درخصوص توسل به اهل بیت پیامبر	۲. کسب بینش	

۶. مبنای کرامت

کرامت یعنی بزرگواری و بزرگواری، حاصل بهروری معین یک موجود است بی آن‌که پای مقایسه با غیر در آن گشوده شود و هرگاه چنین باشد، آن را فضیلت گویند نه کرامت. خداوند آدمی را از بهره‌های درونی ویژه‌ای چون عقل برخوردار ساخته و او را به سبب این بهره‌وری، کریم و بزرگواری داشته است. این کرامت به اصل انسان بودن باز می‌گردد و به دسته معینی از آدمیان اختصاص ندارد. از این نظر آدمیان همه از یک گوهرند، همه شریف اند و هیچ‌کس را بر دیگری فضیلتی نیست [۲۶]. امام علی علیه‌السلام در خطبه اول نهج‌البلاغه ضمن تشریح چگونگی خلقت انسان از بزرگی و جایگاه رفیع آدمی در میان مخلوقات خداوند یاد می‌کند و بر کرامت ارزش انسان صحنه می‌گذارد و می‌فرماید: «خداوند بزرگ خاکی از قسمت‌های گوناگون زمین، از قسمت‌های سخت و نرم، شور و شیرین، گرد آورد، آب بر آن افزود تا گلی خالص و آماده شد و با افزودن رطوبت چسبناک گردید، از آن گل اندامی شایسته و عضوهایی جدا و به یکدیگر پیوسته آفرید، آن را خشکانید تا محکم شد. خشکانیدن را ادامه داد تا سخت شد، در زمانی معین و سرانجامی مشخص، اندام انسان کامل شد. آن‌گاه از روحی که آفرید در آن دمید تا به صورت انسانی زنده درآمد و دارای نیروی اندیشه شد تا وی را به تلاش اندازد و دارای تفکر شد تا دیگر موجودات را تصرف کند. به انسان اعضا و جوارحی بخشید که در خدمت او باشند و ابزاری عطا فرمود که آنها را در زندگی به‌کارگیرد، قدرت تشخیص حق و باطل به او داد تا حق و باطل را بشناسد و حواس چشایی و بویایی و وسیله تشخیص رنگ‌ها و اجناس مختلف را در اختیار او قرار داد. انسان را مخلوطی از رنگ‌های گوناگون، و چیزهای همانند و سازگار و نیروهای متضاد و مزاج‌های گوناگون، گرمی و سردی و تری و خشکی قرار داد. سپس از فرشتگان خواست تا «آن‌چه در عهده دارند انجام دهند و به عهده‌ی او را که پذیرفته‌اند، وفا کنند. این‌گونه که بر آدم سجده کنند و او را بزرگ شمارند» (خطبه ۱، ص ۲۳، پ ۳). همان‌طور که مشاهده می‌شود، امام علی علیه‌السلام شأن بزرگی انسان و حفظ آن را پیمان خدا با فرشتگان می‌داند، به همین دلیل بزرگی و کرامت انسان از مبانی اصلی تعلیم و تربیت اسلامی و سیره امام علی علیه‌السلام است.

از منظر امام علی علیه‌السلام این مبانی تربیت سیاسی دارای اصل عزت است.

۶-۱. اصل عزت

اصل عزت ناظر به ویژگی مبنای کرامت است و مقصود از این اصل آن است که انسان را باید کریم و عزیز داشت و مایه‌های عزت او را فراهم آورد و باید از هر عملی که عزت و شرافت انسانی را لکه‌دار می‌کند احتراز شود. در سیره امام علی علیه‌السلام، مکرر اصرار آن حضرت به کارگزاران برای حفظ عزت مسلمانان و حتی غیرمسلمانانی که در پناه اسلام هستند، وجود دارد. امام علی در این خصوص به عمر بن ابی سلمه ارجحی زمام‌دار فارس می‌نویسد: «همانا دهقانان مرکز فرمانداریت از خشونت و قساوت و تحقیر کردن مردم و سنگدلی تو شکایت کردند. من در باره آن‌ها اندیشه کردم، آنان را نه شایسته نزدیک شدن یافتم زیرا که مشرکند و نه سزاوار قساوت و سنگدلی و بدرفتاری زیرا که با ما هم‌پیمانند، پس در رفتار با آنان نرمی و درشتی را با هم بیامیز، رفتاری توأم با شدت و نرمش داشته باش» (نامه ۱۹، ص ۳۵۷).

روش‌های این اصل عبارت‌اند از:

۶-۱-۱. حفظ شان و جایگاه انسانی

امام علیه‌السلام در خصوص حفظ جایگاه انسانی می‌فرماید: «هر که بجا آورد حق کسی را که او حقش را به‌جا نمی‌آورد، او را بندگی نموده است» (حکمت ۱۶۴، ص ۴۷۵).

۶-۱-۲. رفتار محبت‌آمیز با مردم

امام علیه‌السلام در همین مورد به مالک می‌فرماید: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش» (نامه ۵۳، ص ۳۰۳، پ ۴).

۶-۱-۳. تأکید بر پنهان داشتن عیوب مردم

امام علیه‌السلام در این خصوص به مالک می‌فرماید: «مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است، پس مبادا آن‌چه را بر تو پنهان است آشکار گردانی» (نامه ۵۳، ص ۴۰۵، پ ۴).

۶-۱-۴. عمل به وعده

امام علی علیه‌السلام در هشدار به مالک درباره‌ی خلف وعده می‌فرماید: «مبادا آن‌چه را انجام داده‌ای بزرگ

جدول ۶ مبنای کرامت، اصل و روشهای مربوط به آن

روش‌ها	اصل	مبنا
۱. حفظ شأن و جایگاه انسانی		
۲. رفتار محبت آمیز با مردم		
۳. تأکید بر پنهان داشتن عیوب مردم	عزت	کرامت
۴. عمل به وعده		

است که انسان با اختیار به بندگی خداوند متعال گردن می‌نهد.
از منظر امام علی علیه السلام این مبنای تربیت سیاسی دارای اصل تشبه به ابرار است.

بشماری، یا مردم را وعده‌ای دهی و سپس خلف وعده کنی! ... خلاف وعده عمل کردن خشم خدا و مردم را بر می‌انگیزد و خدای بزرگ فرمود: دشمنی بزرگ با خدا آن است که بگویند و عمل نکنند» (نامه ۵۳، ص ۱۹۴).

۷. مبنای آزادی و اختیار

۱-۷. اصل تشبه به ابرار
نیکو شدن و تشبه به ابرار یعنی پرهیزکار شدن و قرب الهی با خواست انسان میسر است. این اصل نشان می‌دهد که هر انسانی با اختیار خود می‌تواند یکی از ابرار اعمال و رفتاری که امام علیه‌السلام برای پرهیزکاران و ابرار معرفی می‌کنند، همگی کارهایی است که با آزادی و اختیار عملی شده یا می‌شوند. امام علیه‌السلام در خطبه همام در خصوص پرهیزکاران می‌فرماید: «پرهیزکاران در دنیا دارای فضیلت‌های برترند، سخنانشان راست، پوشش آنان میانه روی و راه رفتنشان با تواضع و فروتنی است. چشمان خود را بر آنچه خدا حرام کرده است می‌پوشانند و گوش‌های خود را وقف دانش سودمند کرده‌اند، در روزگار سختی و گشایش، حالتشان یکسان است. . . در روزگار کوتاه دنیا صبر کرده‌اند تا آسایش جاودانه قیامت را به دست آورند، تجارتی پرسود که پرودگارشان فراهم کرده است، و دنیا می‌خواست آن‌ها را بفریبد، اما عزم دنیا نکردند، می‌خواست آن‌ها را اسیر خود گرداند اما با فدا کردن جان، خود را آزاد ساختند» (خطبه ۱۹۳، ص ۲۸۷).

یکی دیگر از ویژگی‌های مختص انسان که به دلیل انسان بودن آدمی به وی تفویض شده است، اختیار و آزادی و قدرت انتخاب است. اهمیت این ویژگی در انسان آنقدر زیاد است که برخی از مکاتب آنرا بزرگ‌ترین وجه تمایز انسان و سایر جانداران دانسته‌اند. البته در منطق اسلامی انسان به هیچ‌وجه آزادی مطلق ندارد و گزینش انسان همانند خداوند بی‌انتهاست، بلکه وی در دایره‌ای خاص و محدود می‌تواند دست به انتخاب و گزینش بزند، معذک یکی از مبانی اصلی تربیت، همین آزادی و اختیار انسان است. امام علی علیه‌السلام درباره نفی جبرگرایی در پاسخ یک مرد شامی می‌فرماید: «وای بر تو! شاید قضا و قدر حتمی را گمان کرده‌ای؟ اگر چنین بود، پادشاه و کافر، بشارت و تهدید الهی، بیهوده بود. خداوند سبحان بندگان خود را فرمان داد در حالی که اختیار دارند و نهی فرمود تا بترسند، احکام آسانی را واجب کرد و چیز دشواری را تکلیف نفرمود و پادشاه اعمال اندک را فراوان قرار داد و ...» (حکمت ۷۸، ص ۴۵۵). ملاحظه می‌شود که امام علیه‌السلام اختیار انسان را به صراحت اعلام می‌دارد. اما نکته‌ای که ممکن است در این مورد مطرح شود، مسئله چگونگی امکان جمع این اصل با اصل بندگی و عبودیت است. در پاسخ باید اشاره شود که اصل بندگی و عبودیت خداوند متعال شرط لازم آزادی انسان از هر قید و بندی به جز عبودیت خداوند است. و اصل آزادی بیانگر آن

۱-۱-۷. انجام دادن صالحات

امام علی علیه‌السلام در موارد متعدد انجام دادن اعمال صالح را به مردم و زمامداران توصیه کرده‌اند و در این خصوص سفارشات متعدد و مؤکدی دارند، از جمله به مالک اشتر توصیه می‌فرمایند: «نیکوترین وقت‌ها و بهترین ساعات شب و روزت را برای خود و خدای خود انتخاب

از منظر امام علی علیه‌السلام این مبانی تربیت سیاسی دارای اصل تساهل است.

۸-۱. اصل تساهل

این اصل که از مبانی ضعف سرچشمه می‌گیرد، بیان می‌دارد که باید در رفتار با انسان آسان‌گیری بود. امام علی علیه‌السلام ضمن توجه به این مسئله، به کارگزاران توصیه می‌فرماید که نسبت به مردم سخت‌گیری نکنند، از جمله به مالک می‌فرمایند: «پس اگر مردم شکایت کردند از سنگینی مالیات، یا آفت زدگی یا خشک شدن آب چشمه ها، یا کمی باران یا خراب شدن زمین در سیلاب‌ها یا خشکسالی، در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف ده تا اموراتشان سامان گیرد (نامه ۵۳، ص ۴۱۳، پ ۱).

۸-۱-۱. سهولت در محول کردن تکلیف

تکلیف سنگین و خارج از توان مکلف می‌تواند به بی‌زاری او از انجام دادن تکلیف بینجامد. مالیات‌های سنگین، وضع قوانین سخت‌گیرانه و ... همگی از مواردی هستند که می‌توانند به نارضایتی مردم از دستگاه حکومتی بینجامد به همین دلیل باید از محول کردن تکالیف بسیار دشوار پرهیز کرد. امام علی علیه‌السلام به این موضوع توجه داشته‌اند و در این مورد فرموده‌اند: «خداوند سبحان .. احکام آسانی را واجب کرد و چیز دشواری را تکلیف نفرمود» (حکمت ۷۸، ص ۴۵۵).

۸-۱-۲. توصیه به تافل

گذر از خطاهای کوچک، از یک سو امید اصلاح را زنده نگه می‌دارد و از سوی دیگر راه بازگشت را هموار کند. توجه و عنایت به همین مسئله می‌تواند به تحکیم پایه‌های حکومت بینجامد. گذر از خطاهای کوچک مردم امر پسندیده‌ای است و امام در مورد آن می‌فرمایند: «از بهترین کارهای زمام‌دار کریم و بزرگوار، چشم پوشیدن او است از آنچه می‌دانند» (حکمت ۲۲۲، ص ۴۸۳).

کن، اگرچه همه اوقات برای خداست اگر نیت درست و رعیت در آسایش قرار داشته باشند. از کارهایی که به خدا اختصاص دارد و باید با اخلاص انجام دهی عملی کردن واجباتی است که ویژه پروردگار است، پس در بخشی از شب و روز وجود خود را به پرستش خدا اختصاص ده و آنچه تو را به خدا نزدیک می‌کند، بی‌عیب و نقصانی انجام ده، اگرچه دچار خستگی جسمی شوی» (نامه ۵۳، ص ۴۱۷، پ ۱).

۲-۲. تأکید بر حساب‌کشی از خود

حساب‌کشی از خود باعث می‌شود که زمام‌دار همواره در روابط خویش با مردم، اعمالش را در ترازوی نقد قرار دهد و عامل مهمی برای جلوگیری از بیراهه رفتن زمام‌دار است امام علیه‌السلام در این خصوص به مردم و کارگزاران می‌فرماید: «بندگان خدا، خود را بسنجید قبل از آن‌که مورد سنجش قرار بگیرید. پیش از آن‌که حسابتان را برسند حساب خود را برسید» (خطبه ۹۰، ص ۱۰۹، پ ۳).

۸. مبانی ضعف

در جهان طبیعت، جانوران به اعضا و اندام‌هایی مجهزند که وظایف معینی دارند و به وسیله آن‌ها با محیط سازگار می‌شوند و امورات خود را می‌گذرانند. اما اندام انسان از دیگران جانوران ضعیف‌تر است، لذا از این جنبه، آن‌ها بر انسان برتری دارند و قدرت سازگاری انسان از نظر بدنی از آن‌ها کم‌تر است، همین ناتوانی بدنی، زمینه‌ای برای رشد و تعالی شده است. آدمی چون در مقایسه با حیوان، ناتوان و شکننده است، می‌تواند با تربیت در راه تحول روحی و معنوی گام بگذارد و تا حدی پیش بینی نشده پیش برود. به عبارت دیگر، آنچه مبانی ضعف انسان تلقی می‌شود فقط بعد جسمانی است نه در ابعاد روحی و معنوی او. اما همین ضعف ابعاد جسمانی چون از خصوصیات ذاتی انسان است و محدودیت‌هایی برای او ایجاد می‌کند، به عنوان یکی از مبانی تربیت مورد توجه قرار گرفته است.

جدول ۷: مبانی آزادی و اختیار، اصل و روش‌های مربوط به آن

روش‌ها	اصل	مبنا
۱. انجام صالحات		آزادی و اختیار
۲. تأکید بر حساب‌کشی از خود	تشبه به ابرار	

جدول ۸: مبنای ضعف، اصول و روش‌های مربوط به آن

روش‌ها	اصل	مبنا
۱. سهولت در محول کردن تکلیف		
۲. توصیه به تغافل		ضعف
۳. ملایمت و مدارا	تساهل	
۴. توصیه به داشتن سعه صدر و بخشش		

۸-۱-۳. ملایمت و مدارا

می‌گسترانند، فرمان‌بردار پروردگارانند و برکت آن دو به شما نه از روی دلسوزی است، نه برای نزدیک شدن به شما، و نه به امید خیرگی که از شما دارند، بلکه آن دو مأمور رسانیدن منافع شما بوده و...» (خطبه ۱۴۳، ص ۱۸۷، پ ۱). از منظر امام علی علیه السلام این مبنای تربیت سیاسی دارای اصل فضل است.

امام علی علیه السلام ملایمت و مدارا را حتی در مورد دشمنان تجویز می‌فرمودند. ایشان در جنگ صفین به لشکریان خود فرموده‌اند: «با دشمن جنگ را آغاز نکنید تا آن‌ها شروع کنند، زیرا بحمدالله حجت با شماست و آغازگر جنگ نبودنتان، تا آن که دشمن به جنگ روی آورد. حجت دیگر بر حقانیت شما خواهد بود. اگر به اذن خدا شکست خوردند و گریختند، آن کس را که پشت کرده است، نکشید به آن که قدرت دفاع ندارد، آسیب نزنید و مجروحان را به قتل نرسانید. زنان را با آزار دادن تحریک نکنید، هرچند آبروی شما بریزند یا امیران شما را دشمنان دهند زیرا که آنان در نیروی بدنی و روانی و اندیشه کم توانند» (نامه ۱۴، ص ۳۵۳).

۹-۱-۱. اصل فضل

در این اصل، جاذبه احسان یک ویژگی بنیادی تلقی شده است. این ویژگی بیانگر تأثیر نیکی و احسان بر انسان و حتی قدرت آن در مهار زدن به بدکرداری او است. فضل رابطه‌ای مبتنی بر عدم موازنه است و این عدم موازنه از عدل، فزاینده‌تر می‌رود. اصل فصل حاکی از آن است که در رابطه تربیتی باید عدم موازنه را الگو قرار داد. خداوند خود در مقام تربیت انسان به وفور با او به فضل رفتار می‌کند و اساساً فضل و رحمت را بر خود واجب گردانیده است [۲۶].

۸-۱-۴. سعه صدر و بخشش

فضل زمامدار در برابر مردم - تا آن‌جا که اصول و مبانی دین در خطر نباشد - باعث نزدیکی مردم و حکومت می‌شود.

امام علیه السلام در این زمینه به مالک می‌فرماید: «اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، یا خواسته و ناخواسته اشتباهی مرتکب می‌گردند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر» (نامه ۵۳، ص ۴۰۹). در ادامه همین نامه، امام علیه السلام در خصوص انتخاب قاضی به مالک می‌فرماید: «از میان مردم برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن، کسانی که مراجعه فرآوان آنان را به ستوه نیاورد و برخورد مخالفان با یکدیگر آنان را خشمگین نسازد» (همان، ص ۴۱۱، پ ۲).

۹. مبنای جاذبه احسان

۹-۱-۱. نیکی به مردم
امام علیه السلام در این خصوص به مالک اشرت می‌فرماید: «بدان‌ای مالک هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد والی به رعیت بهتر از نیکی به مردم، و تخفیف مالیات و عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند، نیست.» (نامه ۵۳، ص ۴۰۷، پ ۵)

جاذبه احسان باعث سرور و رغبت در آدمی می‌شود و از مهم‌ترین عوامل ایجاد ارتباط میان آدمهاست. خداوند متعال، خود بزرگ‌ترین محسن است، امام علی علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: «آگاه باشید زمینی که شما را بر پشت خود می‌برد، و آسمانی که بر شما سایه

۹-۱-۲. سفارش به نیکی در مقابل بدی (به همکیشان)

امام علیه السلام در این باره به امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «چون برادرت از تو جدا شود، تو پیوند دوستی بر قرار کن. اگر روی برگرداند، تو مهربانی کن، و چون

جدول ۹: مبنای جاذبه احسان، اصل و روش‌های مربوط به آن

روش‌ها	اصل	مبنا
۱. نیکی به مردم	فضل	جاذبه احسان
۲. سفارش به نیکی در مقابل بدی (به همکیشان)		

اخلاقی شبیه یکدیگر باشد. کما این‌که مقایسه نتیجه این پژوهش با پژوهش «تربیت اجتماعی از دیدگاه نهج‌البلاغه» [۲۱] و مشابهت روش‌های تربیتی در دو زمینه مؤید همین نظر است [۲۲]. در مقاله «تربیت اخلاقی - سیاسی مدیران از دیدگاه امام علی علیه‌السلام»، اصول و روش‌هایی را در مورد تربیت اخلاقی مدیران از منظر امام علی علیه‌السلام مطرح کرده است که در این پژوهش و پژوهش محمدی برای تربیت سیاسی و تربیت اجتماعی مطرح شده‌اند. به این ترتیب سخن به گزاف نخواهد بود اگر این نتیجه‌گیری شود که هدف تقسیم کارکردهای تعلیم و تربیت در تربیت اسلامی فقط تکیه بیش‌تر بر یک کارکرد خاص بوده است و مرز مشخصی بین این کارکردها وجود ندارد.

۳. سوگیری مبانی، اصول و روش‌های تدوین شده در این پژوهش تحقق هدف غایی تربیت اسلامی، یعنی پرورش عبد صالح است. با دقت در این مبانی، اصول و روش‌ها روشن می‌شود که همگی - چه آنها که به ظاهر سبقه دنیوی دارند، نظیر سامان بخشی وضعیت اقتصادی یا مردم‌سالاری و چه آنها که مستقیماً به تحکیم مبانی دینی می‌پردازند، به سوی همین هدف پیش می‌روند. لذا دارای نظم و هماهنگی درونی هستند، هیچ‌یک از اعضای آن در تقابل بایکدیگر قرار ندارند و همگی برای رسانیدن انسان به کمال عمل می‌کنند.

پیشنهادهای

۱. مشخص است که گرچه مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی که در این پژوهش به آنها اشاره شد، برگرفته از عملکرد امام علی علیه‌السلام در حکومت و شرایط آن روز جامعه اسلامی است، اما به دلیل جامعیت و اصالت آنها، و این‌که ریشه در وحی دارند، امروزه نیز در کشور ما می‌توانند برای ایجاد ساختاری قوی و نظام‌مند در تعلیم و تربیت، به‌خصوص در زمینه تربیت کارگزاران شایسته و ایجاد حس مشارکت در مردم و مسئولیت‌پذیری آنان در

بخل ورزد، تو بخشنده باش، هنگامی که دوری می‌گزیند، تو نزدیک شو و چون سخت می‌گیرد، تو آسان گیر و به هنگام گناهش عذر او را بپذیر» (نامه ۳۱، ص ۳۸۱، پ ۳).

بحث و نتیجه‌گیری

دقت در آنچه به عنوان مبانی، اصول و روش‌های تربیت در این پژوهش تدوین شده است، توجه به چند نکته اساسی را ضروری می‌کند.

۱. همان‌طور که قبلاً هم تأکید شد، غایت تربیت در اسلام پرورش عبد صالح برای قرب الهی است و طبعاً هدف غایی تربیت سیاسی هم چیزی جز این نمی‌تواند باشد. بنابراین، مبانی، اصول و روش‌های این کار هم باید با محتوی و هدف تربیت مطابقت داشته باشد. در واقع همان اندازه که هدف در تعلیم و تربیت اسلامی مقدس است، روش‌های رسیدن به هدف نیز از تقدس برخوردار است. در تربیت اسلامی مبانی، اصول و روش‌ها از محتوا و اهداف جدا نیستند، بلکه چون در همه آنها سمت‌گیری الهی مطرح است ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. به همین دلیل گاه اهداف جزئی برای رسیدن به غایت، در کسوت روش هم نمایان می‌شود و بالعکس. از همین روی است که به عنوان مثال «عدالت» در سیره امام علی علیه‌السلام هم هدف حکومت است و هم شیوه تربیت برای رسیدن به کمال.

۲. تربیت سیاسی یکی از کارکردهای تربیت است. اما باید توجه داشت که در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، تمامی کارکردهای تعلیم و تربیت متوجه یک هدف خاص هستند و آن تعالی و کمال انسان است. مبانی، اصول و حتی روش‌های نظری تربیت، در تمام کارکردهای تربیت اسلامی یکسان هستند - چون هدف در تمامی این کارکردها یکی است، تعجبی ندارد اگر از نظر امام علی علیه‌السلام مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی با مبانی، اصول و روش‌های تربیت اجتماعی یا تربیت

۳. مربیان و معلمان می توانند با الگو قرار دادن سیره ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان برترین مربیان عالم، نقش کلیدی خود را در تعلیم و تربیت به نحو احسن ایفاء کنند.

۴. برنامه‌ریزان تربیتی سطوح مختلف با عنایت به نتایج پژوهش، لازم است به مبانی نه‌گانه و اصول مطرح در هریک از آنها و روش‌های تربیتی مطرح شده، توجه کنند و با عنایت به آموزه‌های تربیتی مکتب امام علی علیه‌السلام زمینه‌های مناسبی برای تربیت دانش آموزان فراهم آورند.

۵. فهرست روش‌های تربیتی تدوین شده برای هر یک از اصول تنها شمه‌ای از طیف وسیع روش‌های تربیتی موجود در متن سیره امام علی علیه‌السلام است که در این‌جا به عنوان نمونه ذکر شده و به‌خصوص در بحث از روش‌های تربیتی، هم‌چنان زمینه برای بررسی و تعمق بیش‌تر در متون مذکور فراهم است.

برابر وضعیت سیاسی و اجتماعی بسیار مؤثر و راهگشا باشند. لذا توجه بیش از پیش مسئولان به این مسئله را خواستاریم.

۲. نتایج پژوهش، تبیین نظری مبانی، اصول و روشهای تربیت اسلامی از منظر پیشوای اول شیعیان است. بدیهی است که استفاده از نتایج این پژوهش و پژوهش‌هایی مشابه در تعلیم و تربیت کشور مستلزم آن است که دست اندرکاران و برنامه‌ریزان با آگاهی از آنها، به تدوین راهبرد و برنامه‌های مناسب آموزشی و درسی هم‌سو با فعالیت‌های آموزشی را چنان برنامه‌ریزی کنند که ضمن تسهیل فرآیند یادگیری برای دانش‌آموزان، راهی برای تحقق انسانیت حقیقی دانش آموزان به معنای انسان اسلامی باشد.

منابع

۱. مرزوقی، رحمت الله (۱۳۷۹) تربیت سیاسی درآموزش و پرورش جمهوری اسلامی، رساله دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس. صص ۹۵-۱۰۰.
۲. فریره، فائولو (۱۳۸۵) آموزش ستمدیدگان، ترجمه احمد بیرشک و سیف الله داد، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
۳. مایر، فردریک (۱۳۷۴) تاریخ اندیشه‌های تربیتی، ترجمه فیاض، تهران، انتشارات سمت، ص ۲۵۸
۴. برزینکا، ولفگانگ (۱۳۷۱) نقش تعلیم و تربیت در جهان امروز، ترجمه محور آفاق بایبوردی، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ص ۴۳.
۵. دورکیم، امیل (۱۳۷۶) تربیت و جامعه شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۹.
۶. ریتز، جورج (۱۳۷۴) نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی، ص ۱۳۶.
۷. بشیریه، حسین (۱۳۷۴) جامعه شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، چاپ اول، تهران، نشر نی، ص ۸۶.
8. Silberman. C. E. (1971), Crisis in the classroom: the remaking of American education, Random House INC. USA, p 28.
9. Goodman. P. (1975), Compulsory Education, Penguin Education. Penguin Book Ltd. p. 23.
10. Harris. K. (1995), Education for citizenship, critical conversation in philosophy of education, wendy kohil(ed). new york- London. pp. 219-221.
۱۱. باقری، خسرو (۱۳۷۵) تعلیم و تربیت از منظر پست مدرنیسم، مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، سال دوم، شماره ۱-۴، ص ۷۵.
12. Scurati. C (1998). Education to Social Civic and Political values in the Italian pedagogical thought ,Paper presented at the international conference on the development of civic responsibility among youth. Urbino,Italy.
۱۳. کارنوی، مارتین (۱۳۶۵) تعلیم و تربیت در خدمت امپریالیسم فرهنگی، ترجمه حسن پاشا شریفی، تهران، صص ۶۹-۴۴.
۱۴. استیونسون، لسلی (۱۳۳۸) هفت نظریه در باره طبیعت انسان، ترجمه بهرام محسن‌پور، چاپ اول، تهران، انتشارات رشد.
15. Morgan. W J(1989). Classical Marxism and education of works :Class and Party : International Journal of univ. Adult education ,vol 28. pp. 45-58.
16. Dewey. J (1960), Democracy & Education, New york :Macmillan Company.
17. Ryba. R (1997), Education ,Democracy and Development :An International Perspective. Kluwer academic publisher,prodecht,Boston and London.
۱۸. آرم، آنتونی و مارتین لیسیست (۱۳۷۶) جامعه شناسی سیاسی، ترجمه احمد پیشه‌ور، چاپ اول، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، صص ۲۴۷-۲۴۸
19. Slattery, P (1995) Curriculum development in the Postmodern Era. Garland Publishing. INC. New york and London.
۲۰. مزینانی، محمد صادق، روش‌های تربیت سیاسی کارگزاران از منظر امام علی(ع)، نشریه حکومت اسلامی، شماره ۲۲، ص ۳.
۲۱. محمدی، مه‌ری (۱۳۷۹) بررسی تربیت اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران دانشگاه تربیت مدرس. صص ۹۸-۷۳.

۲۲. رهنما، اکبر (۱۳۸۲) تربیت سیاسی - اخلاقی مدیران از دیدگاه امام علی(ع)، همایش رفتار شناسی علوی در گستره مدیریت، تهران، دانشگاه شاهد.
۲۳. رحمانی، جعفر (۱۳۸۲) پرورش نیروی انسانی، همایش رفتار شناسی علوی در گستره مدیریت، تهران، دانشگاه شاهد.
۲۴. احسانی، محمد (۱۳۸۴) تربیت سیاسی کارگزاران در مدرسه امام علی (ع)، نشریه معرفت شماره ۳۹.
25. Othman , Abdulaziz(2000), Political Education In Islam , Moslem Education.
۲۶. باقری، خسرو (۱۳۸۰) نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات مدرسه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی